

اکوای زنان

فصلنامه فرهنگی اجتماعی
امور زنان و خانواده دانشگاه شیراز
سال نخست، شماره اول، پاییز ۱۴۰۲

تاثیر ورزش
بر کاهش
اضطراب و
بهبود افسردگی

مطالعات
زنان در دین

کنشگری زن
در منظومه
معرفته اسلام



مصاحبه
دکتر افسانه صفوی



فهرست

سخن سردبیر..... ۱

در محضر قرآن..... ۳

واکاوی حق امتناع شوهر از اشتغال زن ۱۴

تاثیر ورزش در کاهش اضطراب..... ۱۹

مرکز مطالعات زنان و خانواده دانشگاه شیراز..... ۲۴

مصاحبه با دکتر افسانه صفوی..... ۲۹

زندگینامه شهیده نسرين افضل..... ۳۱

کنشگری زن در منظومه معرفتی اسلامی..... ۳۴

مطالعات زنان در دین..... ۴۰

زایمان در آب..... ۴۳

گزارش فعالیت های امور زنان و خانواده یک سال اخیر..... ۴۷

در محضر معصومین..... ۴۹



امور زنان و خانواده



فصلنامه فرهنگی اجتماعی آوای زنان

صاحب امتیاز:

امور زنان و خانواده دانشگاه شیراز

مدیر مسئول:

دکتر زهرا قاسم نژاد

شورای سردبیران:

انسیه مدنیان

فهیمه کشاورزی

هیئت تحریریه:

زهرا قاسم نژاد، انسیه مدنیان

حانیه ذاکری نیا، فرشته افتخاری

شیوا یزدانی، علی رضایی، هانیه مومن

ساره تنافرد

گرافیک:

شیوا یزدانی

شماره مجوز: ۷۲۴ / ک ن ش

با ما در تماس باشید.

۰۷۱۳۶۱۳۵۱۳۳

instagram:

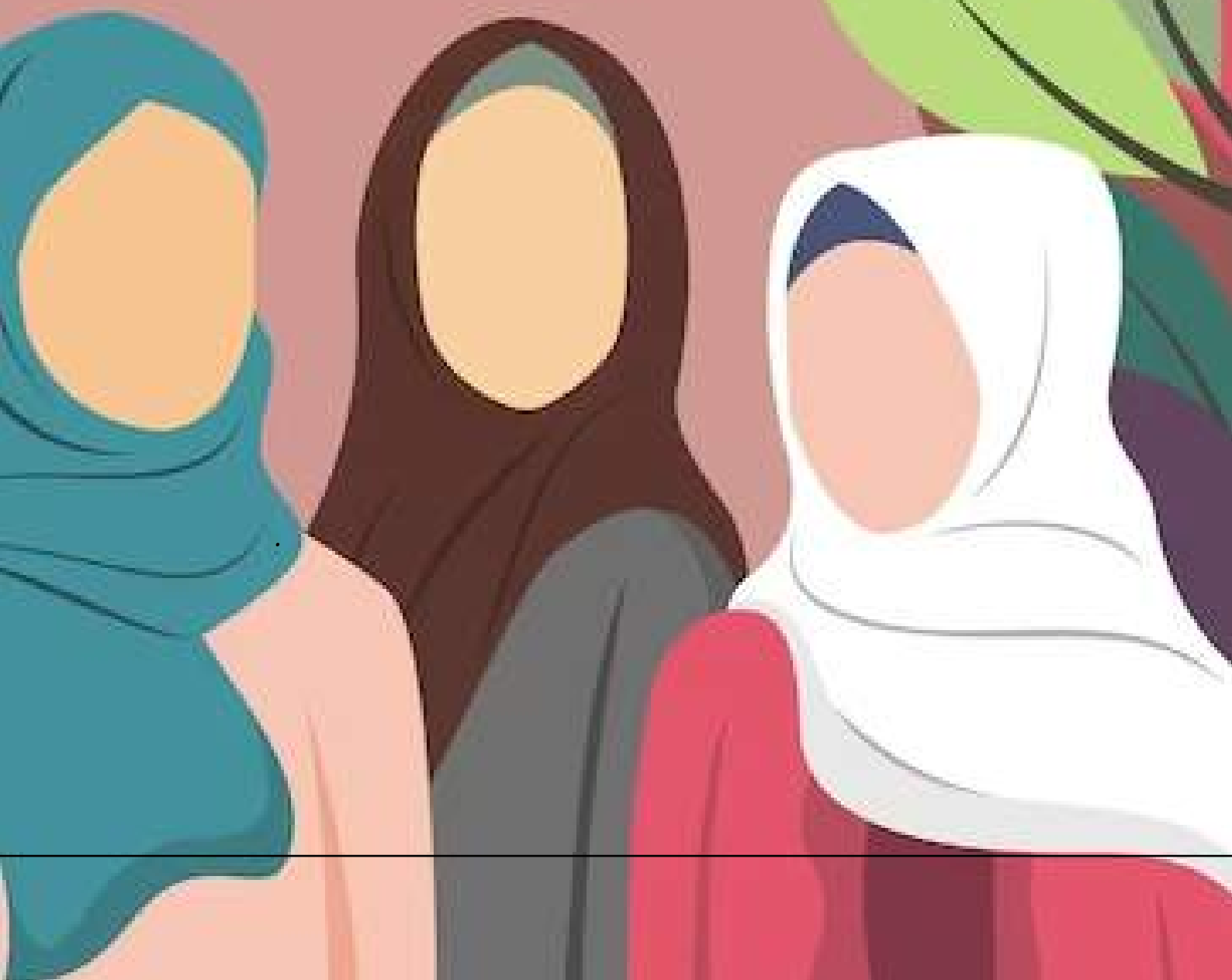
@zanan_va_khanevadeh_shirazuni

website:

women.shirazu.ac.ir

سخن سردبیر

امروزه زنان ایرانی در عرصه های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور نقش عمده ای را بر عهده گرفته اند و به خوبی درخشیده اند و منشا دستاوردهای عظیمی شده اند. در این میان نقش و جایگاه زنان در جامعه دانشگاهی به عنوان نیروی حیاتی و موثر تلقی میشود. به عبارتی زنان با تلاش و کوشش خود، به عنوان اساتید، پژوهشگران، کارمندان و دانشجویان میتوانند به پیشرفت علمی و فناوری کشور کمک نمایند. آنان با ارائه ی توانمندیها و ایده های جدید و کارآمد، زمینه ساز بهبود و توسعه علمی و فناوری در تمامی ابعاد و زمینه ها در کشور بوده و خواهند بود. در این راستا برای توسعه و تعالی نقش زنان در خانواده و جامعه دانشگاهی، لازم است که از طریق ارائه فرصت های آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و علمی، علاوه بر اینکه شناختی



نسبت به بانوان پرافتخار کشورمان ایجاد گردد. زمینه ها و بسترهای لازم جهت اثربخشی مجموعه اقدامات آنان را بیش از پیش برنامه ریزی کرد. مجله آوای زنان با تمرکز بر مسائل مربوط به بانوان، سعی دارد به ارتقای نقش ایشان در جامعه کمک نماید. در واقع این مجله، به بررسی مسائل مربوط به زنان و نقش آنها در جامعه میپردازد و با انتشار مقالات، آثار، اخبار و دستاوردهای علمی و پژوهشی بانوان فرهیخته دانشگاهی، درصد ارتقای سطح آگاهی افراد جامعه خصوصا جامعه دانشگاهی میباشد. چرا که نقش زنان در حوزه های مختلف از جمله علم، فرهنگ، هنر، سیاست و غیره بسیار مهم و حیاتی است. نویسندگان مقالات وزین این شماره نیز که سخاوتمندانه و بی هیچ منتی، آثار خود را در اختیار مجله گذاشتند، ما را مدیون منش والای خود کرده اند. خداوند متعال به همه این عزیزان خیر و طول عمر عنایت فرموده، و به بنده و همکاران عزیزم توفیق دهد تا روز به روز این نشریه را به چشم انداز واقعی آن نزدیکتر کرده و نقشی هرچند کوچک ایفا نمایم.





در محضر

قرآن

(تبیین شبهاتی در خصوص آیه ۳۴ سوره نساء)

زهرا قاسم نژاد

عضو هیأت علمی
دانشکده الهیات

علی رضایی

دانشجوی کارشناسی
ارشد

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله واللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا» (نساء: ۳۴)؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که

خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و



باشد، منع کند.
۴. ماده ۹۷۶: هر زن تبعه خارجی، که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایران محسوب می‌شود.
۵. ماده ۱۰۰۵: اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است.

حقوق دانان این مواد قانونی را مبتنی بر آیه ۳۴ سوره نساء دانسته‌اند. (ر.ک: صفایی، ۱۳۷۴، ص: ۱۶۳)
ج: به عنوان مستمسکی در دست منتقدان و مخالفان نظام فقهی و حقوقی اسلام. برای اثبات مدعای خود، که اسلام را دینی زن‌ستیز و مردسالار می‌دانند، به این آیه استشهاد نموده‌اند. برای نمونه مجلاتی همچون مجله «آوای زنان» یا مجله «آیین زنانه» و سایت‌ها و وبلاگ‌های فراوانی که در این خصوص وجود دارد. حتی پیروان دیگر ادیان در حمله علیه اسلام و متهم کردن اسلام به برخورد ناعادلانه با زنان، به همین آیه استشهاد کرده‌اند. مانند «مرکز الکلیمه المسیحی». افرادی نیز همچون نیلوفر بیضایی و بسیاری دیگر، در سده اخیر به طور ویژه، و در طول تاریخ اسلام، نسبت به تبعیض آمیز بودن بعضی احکام اسلامی، حتی بدون غرض‌ورزی، پرسش داشته‌اند و در مقابل این پرسش‌ها، توسط علما و دلسوزان، پاسخ‌هایی داده شده است. نکته جالب اینکه، این پرسش‌ها توسط زنان زمان پیامبر نیز از ایشان پرسیده شده و مستقیماً خداوند با آیات قرآن به پاسخ در این خصوص پرداخته است. اگر در خصوص شأن نزول بسیاری از آیات، خصوصاً آیاتی که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت، رجوع شود، این مسئله کاملاً تأیید می‌شود. این نوشتار، بیشتر در صدد رفع شبهه در این حوزه می‌باشد.

با توجه به اهمیت موضوع که به بخشی از آن اشاره شد، آیه مورد نظر مورد توجه تمامی مفسران و عالمان اسلامی بوده است. قبل از پرداختن به تفسیر آیه، ذکر مقدمه‌ای مهم‌تر از متن، ضروری است.
خداوند در قرآن کریم به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهد که ریشه در فطرت لایتنغیر انسانی دارد. جواب خداوند، ناظر

و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود)، آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، (بلندمرتبه و بزرگ است (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست یکی از پرچالش‌ترین موضوعات قرآنی در گذشته و حال، مسئله تفاوت‌های تکوینی و تشریحی در خصوص مرد و زن می‌باشد. سوالی برخواسته از فطرت انسانی، که لازم است به آن پاسخی درخور داده شود. قبل از هرچیز به اهمیت این آیه می‌پردازیم. آیه ۳۴ سوره نساء از سه جهت دارای اهمیت فراوان است که حساسیت بحث درباره آن را بیشتر می‌کند: الف: اهمیت آن در بین فقهاست. یکی از پراستنادترین آیات در رابطه با احکام زنان است. برای نمونه ۱. در مسئله حاکم شدن زنان در جامعه و به دست گرفتن اداره جامعه؛
۲. در مسئله قضاوت زنان در جامعه اسلامی؛

۳. انجام فعالیت‌های اجتماعی و حضور فعال زنان در مشاغل گوناگون در جامعه؛

۴. سرپرستی و ریاست خانواده که خود شامل بحث‌های مهمی همچون نفقه، حضانت کودکان، حق طلاق، تبعیت زن از مرد در محل سکونت، ولایت قهری بر اطفال و بسیاری مباحث دیگر است.

ب: اهمیت آن در بین قانونگذاران قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از آنجا که متابعت قوانین با شرع ضرورت دارد، لذا استناد به این آیه، در بسیاری از قوانین مدنی، مشهود است. برای مثال

۱. ماده ۱۱۰۵: در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

۲. ماده ۱۱۱۴: زن باید در منزلی که شوهرش تعیین می‌کند مسکن نماید، مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.

۳. ماده ۱۱۱۷: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانواده یا حیثیت خود یا زن

۵. ماده ۱۰۰۵: اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است. حقوق دانان این مواد قانونی را مبتنی بر آیه ۳۴ (سوره نساء دانسته‌اند. (ر.ک: صفایی، ۱۳۷۴، ص: ۱۶۳ ج: به عنوان مستمسکی در دست منتقدان و مخالفان نظام فقهی و حقوقی اسلام. برای اثبات مدعی خود، که اسلام را دینی زن‌ستیز و مردسالار می‌دانند، به این آیه استشهد نمودند. برای نمونه مجلاتی همچون مجله «آوای زنان» یا مجله «آئینه زنان» و سایت‌ها و وبلاگ‌های فراوانی که در این خصوص وجود دارد. حتی پیروان دیگر ادیان در حمله علیه اسلام و متهم کردن اسلام به برخورد ناعادلانه با زنان، به همین آیه استشهد کرده‌اند. مانند «مرکز الکلیمه المسیحی». افرادی نیز همچون نیلوفر بیضایی و بسیاری دیگر، در سده اخیر به طور ویژه، و در طول تاریخ اسلام، نسبت به تبعیض آمیز بودن بعضی احکام اسلامی، حتی بدون غرض‌ورزی، پرسش داشته‌اند و در مقابل این پرسش‌ها، توسط علما و دلسوزان، پاسخ‌هایی داده شده است. نکته جالب اینکه، این پرسش‌ها توسط زنان زمان پیامبر نیز از ایشان پرسیده شده و مستقیماً خداوند با آیات قرآن به پاسخ در این خصوص پرداخته است. اگر در خصوص شأن نزول بسیاری

و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، (بلندمرتبه و بزرگ است (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست یکی از پرچالش‌ترین موضوعات قرآنی در گذشته و حال، مسئله تفاوت‌های تکوینی و تشریحی در خصوص مرد و زن می‌باشد. سوالی برخاسته از فطرت انسانی، که لازم است به آن پاسخی درخور داده شود. قبل از هرچیز به اهمیت این آیه می‌پردازیم. آیه ۳۴ سوره نساء از سه جهت دارای اهمیت فراوان است که حساسیت بحث درباره آن را بیشتر می‌کند:

الف: اهمیت آن در بین فقهاست. یکی از پرستندترین آیات در رابطه با احکام زنان است. برای نمونه:

۱. در مسئله حاکم شدن زنان در جامعه و به دست گرفتن اداره جامعه؛

۲. در مسئله قضاوت زنان در جامعه اسلامی؛

۳. انجام فعالیت‌های اجتماعی و حضور فعال زنان در مشاغل گوناگون در جامعه؛

۴. سرپرستی و ریاست خانواده که خود شامل بحث‌های مهمی همچون نفقه، حضانت کودکان، حق طلاق، تبعیت زن از مرد در محل سکونت، ولایت قهری بر اطفال و بسیاری مباحث دیگر است

ب: اهمیت آن در بین قانونگذاران قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از آنجا که متابعت قوانین با شرع ضرورت دارد، لذا استناد به این آیه، در بسیاری از قوانین مدنی، مشهود است. برای مثال

۱. ماده ۱۱۰۵: در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

۲. ماده ۱۱۱۴: زن باید در منزلی که شوهرش تعیین می‌کند مسکن نماید، مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.

۳. ماده ۱۱۱۷: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانواده یا حیثیت خود یا زن باشد، منع کند.

۴. ماده ۹۷۶: هر زن تبعه خارجی، که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایران محسوب می‌شود.





از آیات،

خصوصاً آیاتی که

در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت، رجوع شود، این مسئله کاملاً تایید می‌شود. این نوشتار، بیشتر در صدد رفع شبهه در این حوزه می‌باشد با توجه به اهمیت موضوع که به بخشی از آن اشاره شد، آیه مورد نظر مورد توجه تمامی مفسران و عالمان اسلامی بوده است. قبل از پرداختن به تفسیر آیه، ذکر مقدمه‌ای مهم‌تر از متن، ضروری است خداوند در قرآن کریم به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهد که ریشه در فطرت لایتغیر انسانی دارد. جواب خداوند، ناظر به ادراکی است که فطرت انسانها در هر زمان و

اینکه، بعضی از ادراکات انسان

مختص به گفتمان‌های خاص زمانی

و مکانی است و کسی که خارج از آن فضای خاص باشد، هیچ درکی نسبت به موضوع نخواهد داشت برای نمونه و متناظر با بحث خودمان، با نزول آیات ابتدایی سوره نساء، «... للذکر مثل حظ الانثیین...» (نساء: ۱۱)، فطرت انسانی منجر از تبعیض، خواه با عناد و خواه بدون آن، چه مرد و چه زن، و خصوصاً زنان و دختران، به دلیل اینکه حق خود را تضییع شده می‌دانند، خواهند پرسید، چرا؟ دقیقاً همان پرسشی که پیامبر اولوالعزم الهی همچون موسی در داستان خضر و موسی، برایش پیش آمد و پرسید: چرا؟ «... لقد جئت شیئاً نکراً» «قال الم اقل لک

و پرسید: چرا؟ «... لقد جئت شیئا نکرا» «قال الم اقل لک انک لن تستطیع معی صبرا» (کهف: ۷۴-۷۵). فطرت پاک انسانی نسبت به ظلم حساس است. اگر چیزی را مشاهده کند که بر خلاف حکمت و عدل است، ناخواسته واکنش نشان می‌دهد و اعتراض می‌کند. خضر نیز به این خاصیت فطری انسانی که نمی‌توان در چنین مواردی سکوت کرد، به موسی هشدار می‌دهد: «وکیف تصبر علی ما لم تحط به خبرا» (کهف: ۶۸). بنابراین اصل پرسش‌هایی که از فطرت سالم برمی‌خیزد، نه تنها اشکال ندارد، بلکه گریزی از آن نیست. خداوند که خالق انسان است و آگاه نسبت به احوال او، در جای جای قرآن، به چنین پرسش‌های برخوردارانه از فطرت، پاسخ داده و تأکید می‌کند که اگر کسی قصد فهمیدن داشته باشد، جواب داده شده، او را کافی است ولی اگر به دنبال بهانه‌جویی است و از سر عناد و دشمنی، سوال می‌کند، هر آنچه بگویی، راضی نمی‌شود: «وان یروا کسفا من السماء ساقطا یقولوا سحاب مرکوم» (طور: ۴۴) لذا خداوند در مقابل چنین پرسشی که چرا «... للذکر مثل حظ الانثیین...» (نساء: ۱۱)؟ در آیه «ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن واسالوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیما» (نساء: ۳۲)، پاسخ می‌دهد. دقیقاً دو آیه قبل از آیه مورد بحث ما، این مسئله تبیین می‌شود. غفلت از حکمت این جواب متناظر با فطرت لایتغیر، به پرسشی برخوردارانه از فطرت پاک، اکثر مفسرین را بر آن داشته که متناظر به گفتمان زمان خودشان و یا متناظر با گفتمان زمان پیامبر، شروع به پاسخ‌گویی و ارائه بحث‌های جدلی کنند. در صورتیکه پاسخ‌گویی آنان، حداکثر توانایی خاموش کردن سوال‌کننده در آن زمان خاص را دارد. و فطرت انسانی را که فرازمانی است، راضی نمی‌کند برای نمونه بسیاری از مفسران به وضعیت زنان در پیش از اسلام می‌پردازند. در آن مقطع زمانی، زنان حقوق اجتماعی نداشتند، بلکه مانند سایر دارایی‌های انسان، با آنها رفتار می‌شد. نه تنها ارثی به آنها نمی‌رسید، بلکه حق رأی و انتخاب نیز نداشتند. بنابراین حالا که اسلام برای آنان ارزش انسانی قائل شده است و ارث را برایشان واجب دانسته و حق رأی به آنها داده است و هزاران محاسن دیگر نسبت به قبل از اسلام، بنابراین دیگر پرسش در این

خصوص جائر نیست و ناشکری و ناسپاسی به حساب می‌آید. (جوادی آملی، زن در آیین جلال و جمال، ۱۳۷۵، ص: ۳۹۲)

گروهی دیگر نیز که متناظر با جهان امروز، در صدد رفع شبهه از این موضوع هستند، رفتار خشونت آمیز نسبت به زنان، کالا بودن زنان، از بین رفتن ارزش زن، خروج از فطرت انسانی و یا مباحثی همچون، مالک بودن یک سوم سهم الارث و مصرف کننده بودن دو سوم آن را مطرح می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۳۲). هر چند بیان این مطالب، ممکن است سبب سکوت بعضی از افراد شود، ولی دلائلی است که با کمی تفکر و با یک مثال نقض، رد می‌شود.

برای نمونه، ظالمی که تا دیروز یک سکه طلا باج می‌گرفت، حالا که امروز آنرا به نیم سکه تقلیل داده، منت بر سر مردم بگذارد که به شما لطف کرده ام، پس دیگر اعتراض نکنید. یا مثلا زنی که پدر و شوهر ندارد و به تنهایی زندگی می‌کند که در دنیای امروز، تعداد آنها کم نیست، اعتراض خواهند کرد که چگونه ما دو سوم سهم الارث را مصرف می‌کنیم، در حالی که باید مخارج بچه یتیم را علاوه بر مخارج خودمان نیز پرداخت کنیم و هیچ سرپرستی از ما حمایت نمی‌کند و بسیاری دیگر از مثال‌های نقضی که می‌توان آورد

بنابراین اگر جواب، جوابی جدلی باشد و بر برهانی محکم، استوار نشده باشد، به مرور زمان، اشکالات بروز می‌کند و لازم می‌آید که به دنبال آنها، توجیهات دیگری بیاوریم.

حال به سراغ جوابی که خداوند به این پرسش داده است، برویم. با دقت در جوابی که در آیه ۳۲ نساء آمده، به مواردی چند، در حد فهم خودمان می‌رسیم که مسلما دانشمندان حال و آینده، بیشتر از اینها خواهند فهمید: (ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۳۴۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۳۵؛ کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۳: ۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۶۴)

خداوند در ابتدا اشاره می‌فرماید که آرزو داشتن چیزی که دیگران، چه به صورت مادرزادی و چه به صورت قراردادی دارند، اشتباه است. «ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض



به برتریهای مادرزادی یا برتریهایی که بر اساس قوانین اجتماعی گذاشته می‌شود نیست، بلکه مربوط به عملی است که با اراده و اختیار خود، در هر شرایطی که در آن قرار گرفته و متناسب با وظیفه‌ای که بر عهده داشته، انجام داده است، می‌باشد. این چنین عملی، می‌شود دارایی و کسب او. «لر رجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن». چه مرد باشد، چه زن باشد، چه فرزند فقیر زاده باشد که ارث قابل ارزشی، به او نرسد و چه فرزند توانگری باشد که ارث فراوان به او رسیده باشد، چه رهبر جامعه باشد، چه کارگر ساده، در هر شرایطی، حق کسی ضایع نمی‌شود و بر اساس آیات «وان لیس للانسان الا ما سعی» (نجم: ۳۹) و «والذین آمنوا و عملوا الصالحات لا نکلف نفسا الا وسعها اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون» (اعراف: ۴۲) و بسیاری آیات دیگر، مهم این است که در شرایط ایجاد شده توسط پروردگار، چگونه با حسن انتخاب خود عمل کند. مانند یک مربی بدن‌سازی که متناسب با شرایط شاگردانش، هر یکی را سراغ یک تمرین خاص، می‌فرستد. آن کس که با گرانترین دستگاهها، دستور تمرین گرفته، فخری به آن کس که با وزنه‌ای ساده کار می‌کند ندارد. همه شاگردان می‌دانند که مالک آن دستگاه یا وزنه نیستند و چه بسا شاگرد قوی‌تر با وزنه کار کند و شاگرد ضعیف‌تر با دستگاه‌های گران قیمت. آنچه برای مربی و

فضل و برتری افراد، خدادادی است. خداوند این برتری را به آنها داده است، بنابراین افتخاری برای فرد «محسوب نمی‌شود که شما به آن حسد بورزید.» «ما فضل الله این برتری‌ها در همه افراد وجود دارد. «ما فضل الله به بعضکم علی بعض». هر کسی به نوعی دارای فضل و برتری، نسبت به دیگری است. لازمه شکل‌گیری زندگی اجتماعی، وجود همین فضل‌های متفاوت در افراد مختلف است. تا افراد برای رفع نیاز خود، به یکدیگر محتاج نباشند، تن به زندگی اجتماعی نخواهند داد. ضرورت شکل‌گیری زندگی اجتماعی و حتی خانواده، احتیاج اعضای جامعه و خانواده به یکدیگر است. بعضی از این برتریها، مادرزادی است و بعضی بر اساس قوانین اجتماعی است. انسانها برای داشتن زندگی اجتماعی نیازمند برقراری قوانینی هستند. چراکه هر انسانی به غریزه، طالب تمام خیرات برای خودش می‌باشد. برای کنترل این غریزه، چاره‌ای جز ایجاد قوانین کنترل‌کننده وجود ندارد. البته این مباحث در جای خود تبیین شده است و بیش از این مجال پرداختن نمی‌باشد حال که مشخص کرد که برتری‌های مختلف، لازمه حیات اجتماعی است و گریزی از آن نیست، مشخص می‌کند که نصیب و سهم حقیقی انسانها، مربوط به برتریهای مادرزادی یا برتریهایی که بر اساس قوانین اجتماعی گذاشته می‌شود نیست، بلکه مربوط به عملی است که با

چیز دیگری اراده کرد و آنچه خدا اراده کرده، بهتر (است و قصاص را رفع کرد). (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۳۲) اما مرحوم علامه طباطبائی این شأن نزول را مردود می‌داند و می‌نویسد: این داستان با عصمت پیامبر مخالف است؛ چراکه آیه حکم پیامبر را باطل نموده و ایشان را تخطئه کرده است و در واقع، بیان داشته که پیامبر در تشریح خود، اشتباه نموده و این با عصمت پیامبر منافات دارد. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۵۳)

البته شأن نزول‌های دیگری نیز آمده است که در نام افراد، با مورد ذکر شده، متفاوت است ولی همگی با مضمونی شبیه آنچه بیان شد، هستند. ذکر چند نکته در خصوص شأن نزول، خالی از لطف نیست.

شهرت شأن نزولها به قدری زیاد است که به راحتی قابل کنار گذاشتن نیست و ضمناً وجودش نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کند، بلکه کارگشاست مسئله قصاص از محکومات قرآن است و پیامبر به حکمی رأی داده است که باید می‌داده، فقط این آیه، تخصیصی است بر نوع خاصی از شرایط، که قصاص به مثل، تبدیل به دیه می‌شود، که قبل از نزول این آیه، تشریح نشده بود و مانند حکم تغییر قبله، که فقط



مربی و رشد شاگردان، لازم و ضروری است عملکرد صحیح و مطابق دستورالعمل مربی، بر روی هر دستگاه است در مرحله بعد، خداوند می‌فرماید که اگر دنبال فضل و برتری هم هستید، آن را از من باید بخواهید. «
 واسالوا الله من فضله ان الله كان بكل شيء عليمًا». چون تمام فضائل را من به بندگان داده‌ام. اما علم مرا (که در پایان آیه یادآور شده) فراموش نکنید. ریشه تفاوت در فضل و برتریهای تکوینی و تشریحی، ریشه در علم لایتناهی من دارد. وقتی علم شما با علم من، قابل مقایسه نیست، پس آرزوی فضیلت‌های دیگران را داشتن، نه تنها جائز نیست، بلکه خطاست.

در جای دیگر با لحنی دیگر در این خصوص می‌فرماید: «فلا تسالن ما لیس لک به علم انی اعظک ان تکون من الجاهلین» (هود: ۴۶) همانطور که گفته شد، نوع پاسخگویی خداوند، ریشه‌ای و متناسب با فطرت است و مربوط به گفتمان‌های خاص زمانی و مکانی نمی‌شود و انسان با شنیدن آن به آرامش می‌رسد نه اینکه ساکت شود با این مقدمه که در ادامه، به آن استناد خواهیم کرد، به تفسیر آیه مورد نظر، یعنی آیه ۳۴ سوره نساء، خواهیم پرداخت درباره شأن نزول آیه گفته‌اند: آیه درباره «سعد بن ربیع بن عمر» و زنش «حبیبه» نازل شده است که «سعد»، همسرش را به دلیل نافرمانی، کتک زد، «حبیبه» هم به اتفاق پدرش خدمت پیامبر رسید و شکایت کرد و پیامبر حکم به قصاص فرمود. اما هنوز آنها نرفته بودند که جبرئیل نازل شد و این آیه را بیان نمود و پیامبر فرمود: ما چیزی اراده کردیم و خدا چیز دیگری اراده کرد و آنچه خدا اراده کرده، بهتر



آیه مذکور مدیریت جامعه کوچک خانواده را به مرد واگذار می کند. در واقع با انتصاب مرد به عنوان مدیر، وظایفی برای او و حقوقی نیز برای او خواهد بود که حق و وظیفه، برای غیر خداوند، دو امر ملازم یکدیگرند و اگر هریک بر دیگری غلبه کند، خروج از عدالت و خلاف فطرت و شرع و عقل است. بنابراین نمی توان وظایفی

را برای مدیر مشخص کرد ولی توقع حقوق

برای او نداشت. در تمام امور اجتماعی نیز این اصل برقرار است و منحصر در این مورد به خصوص نمی شود به گفته برخی از مفسرین، این انتصاب، با قالب جمله ای خبری، افاده امر کرده و در حقیقت خداوند به شوهران می گوید: «یا ایها الرجال کونوا قوامین». در واقع وظیفه مدیر در این آیه، بیشتر از حقوق او، مورد تأکید قرار گرفته است. ((جوادی، ۱۳۷۵، ص: ۳۹۱؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۷۴ بعضی دیگر از مفسرین معتقدند که این جمله در حال امر کردن همه مردان است به اینکه، مدیر همه زنان باشید. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۴۳؛ شبر، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۱۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۶۹؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۴۴ البته دلایلی توسط گروه دوم آورده شده است که محکم نیست و با چند مثال می توان باطل بودن آن را ثابت کرد. مثلا در ادامه آیه، به انفاق مال اشاره می شود که مخصوص همه مردان نسبت به همه زنان نمی شود. یا اینکه فرزند پسر با اینکه مرد هست، حق مدیریت مادر یا خواهر را ندارد. بنابراین پرداختن به جزئیاتی که در این خصوص، توسط این دسته از مفسرین آمده است، ضرورتی ندارد اما بعضی از مستشرقین و نواندیشان مسلمان که بعضا قصد دفاع از قرآن را هم دارند، این جمله را خبری می دانند. در

تشریح نشده بود و مانند حکم تغییر قبله، که فقط بعد از نزول، لازم الاجرا می شود. اما آنچه تذکر آن لازم می باشد که بعضا افراد معاند یا جاهل، بیان نمی کنند، این است که فرض را بر این گذاشته اند که زدن همسر، اگر منجر به جرح یا شکستگی یا کبودی شود، دیه هم از آن برداشته شده است، که مغالطه ای بیش نیست. اما اشکال علامه، که از بزرگان فقهت و تفسیرند، بحثی کلامی است که احتمال صحت آن نیز می باشد، ولی پرداختن به آن، در اینجا، ضرورت ندارد. ولی نتیجه گفته شده، جزء مسلمات فقهی است، حتی اگر این روایت صحیح نباشد فضای حاکم بر این آیه، در ادامه بحثی است که در آیه ۳۲ نساء، به آن اشاره شد. خداوند در آیه ۳۴، مثالی برای آنچه در آیه ۳۲ فرموده، می زند. آیه در غالب این مثال، یادآوری مجدد می کند که فضائل و برتری های تکوینی و تشریحی حاکم بر عالم، تفاوت وظایف و مسئولیت ها را در پی دارد اصل ضرورت وجود یک مدیر در هر جمعی، قابل خدشه نیست. این حکم عقل، در تمام دوران، برقرار بوده و فرض ممکن دیگری ندارد. اما اینکه مدیر با چه کیفیتی، این وظیفه را به انجام رساند، بحث دیگری است. دارایی حقیقی انسان، طبق آنچه که در آیه ۳۲، مشخص شد، حُسن انجام وظیفه است، نه برتری های تکوینی و تشریحی اهدایی به انسان. در اینجا کیفیت مدیریت، یک مسئله است و انتصاب به مدیریت، مسئله دیگر است. اولی را خداوند کسب انسان قلمداد کرده و متناسب با آن به او پاداش می دهد و به زبا دیگر، پاداش او جز مشاهده آنچه کسب کرده است، نیست: «الیوم تجزی کل نفس بما کسبت» (غافر: ۱۷). البته خداوند در خصوص همین کسب هم، اجازه فخر فروشی به احدی از بندگانش نداده است، چه برسد به دومی که کوچکترین نقشی، در آن نداشته است لازم به توضیح است که اگر خداوند، زن را به عنوان مدیر انتخاب می کرد، باز هم حُسنی برای زنان نبود و قابلیت افتخار نداشت. کما اینکه خصوصیات اختصاصی زنان، همچون تجربه مادر شدن و شیر دادن به فرزند، که در عالم ماده، لذتی بالاتر از آن، قابل تصور نیست، موجبات تفاخر آنها نخواهد بود، بلکه خوب مادری کردن، می تواند دارایی آنان باشد و در روزی که حقیقت ها آشکار می شود، کسب حقیقی هم، چه برای زن و چه برای مرد،

و قیام به امر(نساء: ۳۴) آمده است. (قرشی، ۱۳۷۱،

ج ۷: ۵۲)

راغب اصفهانی معتقد است که در این آیه،

«قیام» در جهت انجام امورات

فردی از افراد، با حفظ

اختیارات آن

فرد است.

(راغب

اصفهانی،

(۱۴۱۲ق، ج ۱: ۶۹۰)

ابن منظور «قیام» در آیه را به معنای محافظت و اصلاح

(می‌داند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ۴۹۶

مفسرین این در این خصوص مطالبی دارند

قوام» به معنای ولایت و ریاست داشتن و به تبع»

آن، مستحق اطاعت بودن است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق،

ج ۱: ۵۰۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۳۴۸؛ طباطبایی،

۱۳۶۳، ج ۴: ۵۴۶)

قوام» به معنای حمایت، رسیدگی، نگهداری و

سرپرستی است. (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۹۰، ج ۱۸:

۵۴۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷: ۲۲۸

با جمع بین نظرات، چه مدیریت را حق بدانیم و چه

وظیفه، در هر دو صورت با استدلالی که خداوند در آیه

۳۲ آورد، این انتصاب، نشان از برتری کسی بر دیگری

نیست، بلکه تقسیم وظایفی جهت به سرانجام رسیدن

امور خانواده و اجتماع است و لاغیر

فَضْل:

فعل ماضی از باب تفعیل به دو معنای، بیشتر و برتر آمده

است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۱۰۵؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵:

می‌دانند.

در واقع آنها معتقدند

خداوند یک واقعیت تلخ

که

تاریخی را

که در زمان نزول قرآن بوده را بازگو می‌کند و حکمی

در این خصوص جاری نشده است. بنابراین مردم در

خصوص اتخاذ راهی معقول در آینده، مختارند. (ر.ک:

معرفت، ۱۴۲۳ق، ص: ۱۵۰؛ زمانی، ۱۳۸۵، ص: ۱۶۵؛

رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۹۹). این نظریه با حکمت

هدایت‌گری قرآن در تضاد است. خداوند هیچ‌گاه در

مقابل سنت‌های غلط، سکوت نکرده است. ممکن است

در برخی موارد، به مرور در جهت ریشه‌کن کردن سنتی

غلط، قدم برداشته باشد، ولی سکوت در این خصوص، به

گونه‌ای که اکثر مفسران و فقیهان، برداشت حکم از آن

داشته باشند و روایات متعددی، آن را امضا کند، هرگز با

فلسفه هدایت‌گر بودن قرآن نمی‌سازد

برای روشن‌تر شدن بحث و تایید یا عدم تایید مطالب

ارائه شده، سه واژه کلیدی عبارت ابتدایی آیه ۳۴ نساء

را نیز بررسی می‌کنیم.

قَوَامون :

صیغه مبالغه از «قیام» است. در قرآن در معانی

برخاستن(نمل: ۳۹)، توقف(بقره: ۲۰)، دوام(روم: ۲۵)،

عزم و اراده(مائده: ۶)، مشغول شدن به کاری(مزمّل: ۲۰)

(۱۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۵۲۴) راغب اصفهانی «فضل» در آیه را از نوع اعتباری می‌داند. البته او بحث مفصلی در خصوص انواع «فضل» دارد و معیار کلی برای شناخت فضل را، واجب نبودن اعطاء آن از طرف اعطاءکننده می‌داند. مفسرین نیز در خصوص واژه «فضل» در این آیه، به دو دیدگاه رسیده‌اند

توانمندی بیشتر مردان

جهت مدیریت، نه فضیلت بیشتر

آنان نسبت به زنان. (جوادی

آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۵۴۵؛

(طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۴۷)

برتری تکوینی مردان

نسبت به زنان. (زمخشری،

۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۰۵؛ فیض

(کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۲۰۷

و دو دسته مفسرین، با توجه به

گفتمان‌های زمان خود، شروع به

برشمردن فضائل مردان نسبت به

زنان کرده‌اند و بعضاً، به دلیل گذشت

زمان و تغییر گفتمان‌ها، بعدی‌ها،

بعضی از نظرات قبلی‌ها را رد یا تأیید

کرده‌اند، اما با مقدمه ذکر شده،

ورود به این مباحث، صرفاً ساکت

کردن مخاطب است، نه آرام کردن

او. لذا همانطور که راغب اصفهانی

که بیشتر از بقیه مفسران و لغت‌شناسان

در خصوص معانی مختلف این واژه به بحث و

بررسی پرداخته بود، این فضل و برتری را از نوع

اعتباری دانست، فلذا اگر حتی زن، عاقل‌تر، کامل‌تر،

قوی‌تر، آینده‌نگرتر از مرد باشد، برای مدیریت خانه، باید

بنا بر قانون اعتباری، یک نفر به سمت مدیر، انتخاب شود

که خداوند این وظیفه را به دوش، شوهر گذاشته است.

در مقابل وظایفی که به دلیل مدیر شدن، به عهده وی

آمده است، اعضای خانواده نیز در مقابل این حقوقی

که نصیبشان شده، وظایفی بر عهده خواهند داشت

وظایفی بر عهده خواهند ،

داشت اگر دلیل انتخاب

مدیر خانه، برتری ذاتی بود

و نه اعتباری، هیچ گاه زنانی

همچون زینب کبری و امثال

ایشان در طول تاریخ تن به

ازدواج نمی‌دادند. برای روشن

شدن مطلب، مثال دیگری

می‌آوریم. طبق قوانین

بین‌الملل، چراغ قرمز

برای توقف و چراغ سبز

برای حرکت، به صورت

اعتباری و قراردادی مقرر

گشته است. اگر جائز

بدانیم، طرفداران رنگ

سبز، بخواهند نشانه‌ای

بر توقف باشند، باید برای

طرفداران رنگ قرمز نیز این

حق را قائل شویم، در نتیجه

هیچ گاه، اصل موضوع که تسهیل

امر تردد مردم است، محقق

نخواهد شد و تا ابد بر سر تعیین

رنگ، مشاجره خواهد بود. در

اینجا قانون به عنوان فصل الخطاب

وارد می‌شود و به این مشاجرات بی‌ثمر

پایان می‌دهد. اما از طرف دیگر راهکارهایی

به مدیر پیشنهاد می‌دهد تا بتوان به بهترین

شکل ممکن وظیفه مدیریت را به انجام رساند.

انفقوا

فعل ماضی از باب افعال است. «نفق» یعنی انقطاع و تمام

شدن چیزی. «انفاق» و «نفقه» به معنی اعطاء با مال یا

غیر آن، البته در قرآن گاهی واجب و گاهی مستحب

شمرده شده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲: ۲۰۶؛ قرشی،

(۱۳۷۱، ج ۷: ۹۷)

اکثر مفسرین به جز فخررازی، انفاق مال را دلیل ولایت

شوهر بر همسر و یا مرد بر زن می‌دانند، در صورتی که

فخررازی، آن را یکی از دلایل برتری مردان نسبت به زنان

کارش است لذا با آویزان کردن ابزار تنبیه، در جلوی چشم متخلف، امر انذار محقق می‌شود. چون زدن، به آن شکلی که به صورت ارتکازی در ذهن ما می‌باشد، دیه آور است و از نظر اسلام جائز نمی‌باشد. دقیقاً شبیه کاری که امیرالمومنین با برادرش کرد که از او تقاضای بیشتر از حش را از بیت المال داشت که آهنی داغ به او نزدیک کرد تا داغی جهنم را به او یادآور شود و هرگز آسیبی به او نرسانید که موجب دیه شود. (ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۳۵۵؛ طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۵۷؛ کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۳: ۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۷۲)

در پایان باز به ابتدای نوشتار ارجاع داده و متذکر می‌شوم که توجیه و جدل، چاره برخورد با سوالاتی که از فطرت پاک انسانها سرچشمه می‌گیرد نیست. به جای آن به سراغ جوابهای فطری و آرامش‌بخش قرآن برویم و آنها را تبیین نماییم تا قلب خود و افراد جامعه را به نور ایمان، روشن و روشن‌تر کنیم

مراجع
قرآن کریم

ابوالفتوح رازی، ح. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی
ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر
جوادی آملی، ع. (۱۳۷۵). *زن در آیینه جلال و جمال*. قم: اسراء

جوادی آملی، ع. (۱۳۸۶). *تفسیر انسان به انسان*. قم: اسراء
جوادی آملی، ع. (۱۳۹۰). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*. قم: اسراء

راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: دار القلم
رضایی اصفهانی، م. (۱۳۹۰). *منطق تفسیر قرآن*. قم: جامعه المصطفی

زمانی، م. (۱۳۸۵). *مستشرقان و قرآن*. قم: بوستان کتاب
زمخشری، م. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. بیروت: دار الکتب العربی پ

شبر، ع. (۱۴۱۲ق). *تفسیر القرآن الکریم*. بیروت: دارالبلاغه

۱۳۶۴، ج ۵: ۱۶۹). نظر اکثر مفسرین در این خصوص صحیح‌تر به نظر می‌رسد. چراکه آیه در بیان وظایف مدیر در قبال همسر است. انفاق را وظیفه مدیر و فرمانبری زن را در مواردی که خداوند برای زن مشخص کرده است، نه هر آنچه که شوهر بخواهد، حق مدیر می‌داند و هر دوی آنها، یعنی همسران، در مقابل خروج از انجام تکالیف باید علاوه بر آخرت در دنیا نیز پاسخگو باشند. «وبما انفقوا من أموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله» در ادامه، به تخلف از وظایف می‌پردازد. لازم به توضیح است که تخلفات بر دو نوع است. بعضی از تخلفات قابل حل و فصل، توسط زوجین نیست و یا تمایلی به حل آن توسط خودشان ندارند. در این صورت آیه بعد متعرض این نوع تخلفات می‌شود: «وان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها ان یریدا اصلاحا یوفق الله بینهما ان الله کان علیما خبیرا» (نساء: ۳۵). این آیه اشاره به مرحله‌ای دارد که زوجین تخلفات خانوادگی را با مدیریت شوهر، نتوانسته‌اند حل و فصل کنند، لذا از خارج، نیروهایی دلسوز و مورد اعتماد هر دو طرف، باید انتخاب شوند و به مشکل پیش آمده خاتمه دهند اما نظر قرآن قبل از ورود دلسوزان خارج از خانواده، در انتهای آیه ۳۴ آمده است. «واللاتی تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن فی المضاجع واضربوهن». طبق دستورالعمل ارشادی از طرف پروردگار، باید بررسی این تخلفات در وهله اول و طی سه مرحله، در درون منزل، توسط مدیر خانه صورت پذیرد. زمانی که زمینه تخلف در حال ایجاد است، مدیر باید با نصیحت و تذکر، سعی در هشیاری متخلف داشته باشد. اگر این نصیحت‌ها اثر نگذاشت و تخلف انجام شد، باید با قهر کردن، البته در حدی که فرد متوجه خطایش شود، او را تذکری جدی‌تر داد و در نهایت در صورت تکرار خطا، باید عملاً به گونه‌ای که دیه‌ای بر مدیر واجب نشود، تذکری جدی‌تر داد. (لازم به ذکر است که حتی به سرخ شدن پوست، دیه تعلق می‌گیرد). در خصوص مرحله آخر، خداوند در آیه دیگر دقیقاً با همین الفاظ، کیفیت تذکر جدی را آورده است: «وخذ بیدک ضغثا فاضرب به ولا تحنث انا وجدناه صابرا نعم العبد انه اواب» (ص: ۴۴). تعبیر پیامبر در روایات به این است که حتی لازم به زدن با چیزی شبیه چوب مسواک هم نیست بلکه هدف ترساندن متخلف از عواقب

واکاوی حق امتناع شوهر از اشتغال زن در نظام حقوقی کنونی



حانیه ذاکری نیا

عضو هیأت علمی
دانشکده حقوق و علوم
سیاسی



امروزه نظر به مسائل اقتصادی جامعه، ضرورت اشتغال اعضای خانواده قابل توجه است. اشتغال زنان بعد از ازدواج با توجه به نقش های متعددی که می بایست در اجتماع ایفا کنند از جمله نقش مادری، همسری و نقش کارمند در برابر کارفرما، تعارض میان نقش های مزبور را موجب می گردد و زمینه های

بروز مشکلاتی را در امور خانواده فراهم میسازد و به تدریج بنیان خانواده را سست و متزلزل میکند (خورسندیان، ۱۳۹۰). البته طبق شماری از مطالعات روانشناسان غربی، اشتغال مادران اگر در کارهای فرساینده و طولانی مدت نباشد، موجب تقویت رشد، عزت نفس و بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی فرزندان میگردد (برک، ۱۳۸۹). این وظیفه نظام حقوقی است تا با ارائه سازوکارهای مناسب میان نقش آفرینی زنان و مردان در فعالیتهای شغلی و اجتماعی و ایفای وظایف هر یک در خانواده و تحکیم این بنای ارزشمند تعادل برقرار سازد.

اشتغال مادران
اگر در کارهای
فرساینده و طولانی
مدت نباشد، موجب
تقویت رشد، عزت
نفس فرزندان
می گردد

در ظاهر، پیشینه بحث حق اشتغال زنان، به حقوق اساسی، قانونگذاری سده های اخیر و حقوق بشر باز می گردد. در قوانین اساسی کشورها و از جمله ایران حق اشتغال به عنوان حق اساسی شناخته شده و قوانین عادی نیز به این حق اشاره کرده اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد به رفع

تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات مساوی در همه ی زمینها برای تمامی افراد تأکید نموده است. بند ۹ اصل سوم، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه را برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی، از وظایف دولت دانسته است و در بند ۱۲ به منظور پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه، بر رفع محرومیت در زمینه های مختلف از جمله کار تأکید نموده است.



بند ۱۴ نیز
از جمله به
تأمین حقوق همه
جانبه‌ای افراد از زن

و مرد و تساوی عموم در
برابر قانون اشاره دارد؛ که در اصل

بیستم به تشریح آن میپردازد؛ بدین ترتیب که

همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد را یکسان در
حمایت قانون قرار داده و آنها را برخوردار از همه
ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و
فرهنگی در چارچوب موازین اسلامی دانسته است.
اصل بیست و هشتم به هر کس حق داده شغلی را
که بدان مایل است، برگزیند. (اسدی، ۱۳۸۵) اصل
۲۱ قانون اساسی نیز مقرر میدارد: «دولت موظف
است حقوق زن را در همه جهات با رعایت موازین
اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ایجاد
زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای
حقوق مادی و معنوی او...». تعبیر «حقوق زن در
تمام جهات»، عام است و یکی از این جهات، حق
اشتغال است (خورسندیان، ۱۳۹۰). با این وصف
باید گفت قانون اساسی منع صریحی بر اشتغال
زنان ندارد و قوانین عادی که چنین موضوعی

ماده ۱۱۱۷ قانون

مدنی هرچند به

مرد اختیار می دهد

از اشتغال زوجه با وجود

شرایطی خاص جلوگیری نماید،

که به تفصیل خواهد آمد، لیکن بیانگر این

مفهوم است که زوج در غیر شرایط فوق، حق ممانعت از

اشتغال زوجه را ندارد. بنابراین، مطابق ظاهر این ماده،

اصل اولیه وجود حق اشتغال برای زوجه است. مواد ۷۵ تا

۷۸ قانون کار مقرراتی راجع به ممنوعیت به کارگیری زنان

در مشاغل سخت و زیان آور، و مرخصی دوران بارداری

و زایمان ارائه میکند که نشانگر حق اشتغال زوجه است

و محدودیتهایی که برای اشتغال در پارهای از مشاغل

در قانون اساسی و دیگر قوانین پیشبینی شده است،

عام و یا خاص هستند. محدودیتهای عام هم برای

مرد و هم برای زن هستند و پاره ای محدودیتها تنها

به زنان اختصاص دارند. گاه شرایطی که در قانون برای

حق اشتغال اشخاص پیشبینی شدهاند، کلی هستند

و اختصاص به مرد یا زن ندارند و عبارتند از: عدم

مخالفت شغل با موازین اسلامی (اصول ۲۱ و ۲۰ قانون

اساسی) و احکام اسلام (اصل ۲۸)، عدم مغایرت شغل

عدم مغایرت شغل با نظم عمومی و اخلاق حسنه (ماده ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی). قانون همچنین برای اشتغال زنان به طور خاص محدودیتهایی پیش بینی نموده است؛ دو مورد از آن، قضاوت و کار در نیروهای مسلح است و مورد مهم دیگر، محدودیت کار پس از ازدواج بدون (رضایت زوج است) (خورسندیان، ۱۳۹۰). در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به اشتغال زنان به شکلی گسترده اشاره شده و حضور زنان در مشاغل رایج آن زمانه مانند: صنایع دستی، پزشکی، شبانی و دامداری و تجارت تأیید شده است (قدیر، ۱۳۸۳ ش). از سوی دیگر میتوان حق اشتغال را از لوازم تکلیف برای کسانی دانست که مکلف به تأمین وسایل حیات خود و وابستگان خود هستند. یکی از مبانی فقهی حق اشتغال، آیه ۳۲ سوره نساء است که میفرماید: «للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن» (مردان از آنچه کسب کرده اند بهره می برند و زنان [نیز] از آنچه کسب کرده اند بهره می برند). ظاهر این آیه، پذیرش کسب و تلاش اقتصادی مردان و زنان و مترتب شدن مالکیت بر آن است؛ که نزول آن در عصر جاهلیت تحولی شگرف بود. در روایات متعدد به کار و تلاش انسان به صورت عموم ترغیب شده و کارهای زنان مانند بافندگی، آرایشگری، نوحه خوانی، و عطاری نیز به طور خاص مورد تأیید (قرار گرفته است) (طاهری نیا، ۱۳۸۳) به موجب ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی «شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند». ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ نیز مقرر می داشت: «شوهر میتواند با تأیید دادگاه، زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی

«
در عصر پیامبر (ص) نیز به اشتغال زنان به شکلی گسترده اشاره شده و حضور زنان در مشاغل رایج آن زمانه مانند: صنایع دستی، پزشکی، شبانی و دامداری و تجارت تأیید شده است.»



است و مخالفت وی با زوج حق نفقه او را ساقط میکند. در کنار تمکین عام، «تمکین خاص» قرار دارد که آمادگی زوجه برای روابط زناشویی در هر زمان و مکانی است که استمتاع در آن روا است (مروارید، ۱۴۱۳ ه.ق). تمکین با خروج زن در وقت اداری و حضور او در بقیه ساعات از شبانه روز عرفاً مصداق دارد و خروج زن بدون اذن از منزل، نشوز به حساب نمیآید (نشست قضایی استان قم: ۱۳۸۸/۲/۲۵). در شرایط اجتماعی امروز، اکثر پیمانهای زناشویی با این شرط بنایی منعقد میشود که زوجه بتواند در حد متعارف (با اطلاع همسر از منزل خارج شود) (خورسندیان، ۱۳۹۰) در مورد اشتغال زوجه توافقی میان زوجین وجود ندارد و در این صورت، ممکن است زوجه پیش از ازدواج شاغل باشد یا شاغل نباشد. در صورتی که زوجه شاغل باشد و هنگام ازدواج در این باره صحبتی نشود، سکوت در مقام بیان، قرینه بر آن خواهد بود که زوجه میتواند به اشتغال خویش ادامه دهد. اما گاهی زوجه پیش از عقد شاغل نبوده است و میخواهد پس از عقد شاغل شود، در این حالت، اصل بر پذیرش حق اشتغال زن است، اما شوهر میتواند زوجه را از اشتغال به مشاغلی که به نوعی باعث اختلال در امور خانواده میگردد یا خلاف (مصلحت خانوادگی و یا حیثیت طرفین است، بازدارد) (همان) عدهای بر آنند که هرگاه حین ازدواج، زن شاغل بوده و عقد ازدواج مبنی بر ادامه ی آن انجام گرفته یا در ضمن عقد شرط شده باشد، زوج نمی تواند او هرگاه زوجه در ضمن عقد، حق اشتغال به کار یا ادامه تحصیل را شرط کرده باشد، زوج نمی تواند با ادامه تحصیل یا اشتغال به کار او مخالفت کند؛ مگر آن که شغل یا ادامه تحصیل، منافی مصالح خانواده یا حیثیت یکی از (زوجین باشد) (نشست قضایی استان قم: ۱۳۸۸/۲/۲۵). در تاریخ فقه اسلامی، زنان از جهتی به دو دسته بانوان «مخدره» و «برزه» تقسیم شدهاند. زنان برزه زنانی بودند که برای کارهای خود پیوسته از منزل خارج میشدند و در بازار به خرید و فروش میپرداختند و زنان مخدره پرده نشین بودند. بدین ترتیب، دسته ای از زنان پاکدامن به رسمیت شناخته میشدهاند که آزادانه در اجتماع رفت و آمد داشتند و به اشتغال می پرداخته اند و شریعت اسلامی هم مخالفتی با این موضوع نداشته است. اما فتوایی که مربوط به عدم امکان خروج زنان از منزل و عدم اشتغال ایشان بوده است، در فضایی صادر شده که بیشتر زنان شهرنشین محل زندگی صادرکنندگان فتاوی، در زمره بانوان مخدره بوده اند که فرض (اولیه، عدم خروج آنان از منزل بوده است) (خورسندیان، ۱۳۹۰). زنان امروزی (نه تنها زنان شاغل)، همه از دسته زنان برزه هستند؛ و مردان کنونی، با همین وضعیت زنان را می پذیرند.

زنانی بودند که برای کارهای خود پیوسته از منزل خارج می شدند و در بازار به خرید و فروش می پرداختند و زنان مخدره پرده نشین بودند. بدین ترتیب، دسته ای از زنان پاکدامن به رسمیت شناخته می شده اند که آزادانه در اجتماع رفت و آمد داشتند و به اشتغال می پرداخته اند و شریعت اسلامی هم مخالفتی با این موضوع نداشته است. اما فتوایی که مربوط به عدم امکان خروج زنان از منزل و عدم اشتغال ایشان بوده است، در فضایی صادر شده که بیشتر زنان شهرنشین محل زندگی صادرکنندگان فتاوی، در زمره بانوان مخدره بوده اند که فرض اولیه، عدم خروج آنان از منزل بوده است (خورسندیان، ۱۳۹۰). زنان امروزی (نه تنها زنان شاغل)، همه از دسته زنان برزه هستند؛ و مردان کنونی، با همین وضعیت زنان را می پذیرند و با آنان پیمان زناشویی می بندند. لذا مخالفت بعدی آنان با خروج زنان از منزل و یا حتی اشتغال آنان، بر خلاف بنای عرفی پذیرفته شده از جانب ایشان است. لذا حق شوهر را در ممانعت از اشتغال زوجه، مبتنی بر حق زوج در استمتاع می دانیم در جایی که اشتغال منافاتی با استمتاع ندارد و با مصالح خانوادگی نیز متعارض نیست، و خروج زوجه از منزل برای انجام کار مانعی نخواهد داشت (همان) از لحاظ فقهی نیز، در گذشته بیشتر فقها اشتغال زن را در خارج از منزل، محدود و منوط به اذن همسر می دانستند؛ اما بسیاری از فقهای کنونی حقوق زنان را برای (اشتغال بیرون از منزل، مطابق اصل می دانند) (همان). در مدل توسعه ای جوامع اسلامی، ضروری است با وضع قوانین مناسب، به نقش همسران در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی بیشتر توجه شود؛ به ویژه که نیاز زنان به فعالیت اجتماعی و واکنش همسران، تأثیر فراوانی در میزان پایداری خانواده بر جای می گذارد (همان). اشتغال بانوان در مشاغل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اداری از جمله شرایط و لوازم تحقق عدالت اجتماعی و تعالی جامعه است. نه تنها اشتغال، حق زنان است، بلکه لازمه تحقق عدالت اجتماعی و تعالی جامعه می باشد (آقایور، ۱۳۹۹). به علاوه، در اوضاع و احوال فعلی با وجود تورم و نیاز خانواده به اشتغال زوجه به حرفه و کار آبرومند، به منظور کمک به مخارج زندگی امروز و تحکیم مبانی خانواده و تربیت اولاد، اگر زوجه در ادارات دولتی یا شرکت های معتبر که نوعاً رعایت مقررات شرعی و قانونی مدنظر آنها است، مشغول به کار شود، منع قانونی ندارد. مگر این که در موقع اجرای صیغه عقد نکاح، زوج مخالفت خود را با اشتغال زوجه به کار و حرفه اعلام نماید و این شرط مورد موافقت زوجه

نمایه منابع
 آقاپور، علی (۱۳۹۹)، بررسی فقهی و حقوقی
 اشتراط اجازه شوهر در اشتغال زن، فقه و حقوق معاصر،
 سال ششم، شماره ۱۲، صص ۲۴ تا ۴
 اسدی، لیلا (۱۳۸۵)، اشتغال زن در خانواده،
 لورا مجله دادرسی، ش ۵۵، صص ۶۸ تا ۷۳
 (۱۳۸۹)، روانشناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی،
 دادنامه قطعی تهران، ارسباران، چاپ شانزدهم
 شماره ۲۷۴۰۰۷۰۰۲۰۰۹۹۸۰۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۷/۲۲، شعبه ۲
 دادگاه تجدیدنظر استان تهران
 ۵ زنان از دیدگاه قرآن»، مجله معرفت، ش ۸۳، صص ۷۲
 تا ۷۹
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
 قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳
 قانون مدنی ایران
 قدیر، محسن (۱۳۸۳)، «اشتغال
 زنان از منظر اسلام و غرب»
 (۲) شمیم یاس

اجتماعی و تعالی جامعه می‌باشد (آقاپور، ۱۳۹۹). به
 علاوه، در اوضاع و احوال فعلی با وجود تورم و نیاز خانواده
 به اشتغال زوجه به حرفه و کار آبرومند، به منظور کمک
 به مخارج زندگی امروز و تحکیم مبانی خانواده و تربیت
 اولاد، اگر زوجه در ادارات دولتی یا شرکت‌های معتبر که
 نوعاً رعایت مقررات شرعی و قانونی مدنظر آن‌ها است،
 مشغول به کار شود، منع قانونی ندارد. مگر این‌که در موقع
 اجرای صیغه عقد نکاح، زوج مخالفت خود را با اشتغال
 زوجه به کار و حرفه اعلام نماید و این شرط مورد موافقت
 زوجه هم واقع شده باشد و بر این مبنا عقد ازدواج
 انجام شود، زوجه حق اشتغال به کار و حرفه در خارج
 از منزل ندارد (نشست قضایی استان قم: ۱۳۸۸/۲/۲۵).
 اگر شوهر با شغل زن به دلیل یاد شده مخالفت نماید،
 زن باید شغل خود را تغییر دهد و شغلی را برگزیند که
 با مصالح خانواده و حیثیت زوجین سازگار باشد. نهایت
 آنکه شوهر میتواند با «شغل» زن مخالفت کند، اما با
 («اشتغال» وی نمیتواند مخالفت نماید (خورسندیان، ۱۳۹۰).



تأثیر ورزش و فعالیت بدنی بر کاهش اضطراب و بهبود افسردگی



فرشته افتخاری

عضو هیات علمی بخش
علوم ورزشی دانشگاه
شیراز

افراد در سراسر دنیا، تحت تأثیر اختلالات سلامت ذهنی قرار گرفته اند و حدود یک دوم آنها (۴۴٪) یک اختلال ذهنی و روانی را در زندگیشان تجربه کرده اند. افسردگی در واقع یک اختلال ذهنی و روانی است که منجر به افزایش اضطراب در افراد میشود و عملکرد روزانه فرد را تا حد زیادی کاهش می دهد. با توجه به اهمیت اختلالات افسردگی و اضطراب و افزایش شیوع آن در سالهای اخیر، تا کنون تمهیدات بسیاری برای کاهش و پیشگیری از آنها اندیشیده شده است. یکی از این راهها درمان دارویی است که با توجه به عوارض

امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی و سبک زندگی ماشینی، شیوع بیماریهای مختلف جسمی، از جمله بیماریهای قلبی عروقی، دیابت، فشارخون، مفصلی و چاقی و... افزایش یافته که شرایط دوران کرونا نیز، منجر به افزایش بیشتر این بیماری ها شده است. مطالعات نشان داده است که، در کنار بیماریهای جسمانی، بیماریهای روحی-روانی نظیر افسردگی و اضطراب نیز، در دوران کرونا و پس از آن به میزان ۳۵ تا ۳۸ در سراسر جهان، شیوع بیشتری داشته است. گزارش شده است در سال ۲۰۱۹، معادل یک هشتم



می شوند و این درحالیست که مداخلات دارویی و روان درمانی، چندان هم موثر نیستند. در کشورهای دیگری مانند استرالیا، مدیریت سبک زندگی به عنوان اولین روش درمانی توصیه میشود، در صورتیکه، اغلب روشهای دارویی، ابتدا تجویز می گردد. مطالعات زیادی، تأثیر فعالیت بدنی را بر افسردگی، اضطراب و اختلالات روانی مورد بررسی قرار داده اند که بسیاری از آنها، اثرات مشابه ورزش بر این اختلالات را، با روان درمانی و دارودرمانی گزارش نموده اند که علاوه بر داشتن فواید بیشمار، هزینه و عوارض جانبی کمتری در مقایسه با روشهای ذکر شده دارد و باعث کاهش افسردگی و اضطراب در تمام بیماران می گردد. بیشترین تأثیر فعالیت بدنی در افراد دارای افسردگی، زنان باردار و دوران پس از زایمان مشاهده شد. تحقیقات نشان داده است که، تمام مدلهای تمرینی از قبیل هوازی، مقاومتی، ترکیبی و یوگا بر بهبود بیماری، موثر می باشند، اما در میان آنها روشهای تمرینی شدید، در بهبود افسردگی و اضطراب موثرترند. به نظر میرسد، اثرات مفید فعالیت بدنی بر افسردگی و اضطراب بدلیل ترکیبی از اثر مکانیسم های روانشناختی، عصبی، فیزیولوژیکی و اجتماعی می باشد. از منظر فیزیولوژیکی، ورزش می تواند تناسب بدن فرد را بهبود ببخشد، بر انتقال دهنده های سیستم عصبی درگیر در اضطراب و سطوح هورمون های استرس اثر داشته باشد و باعث کاهش انقباض عضلات و در نتیجه کاهش اضطراب شود. گزارش شده است که روشهای مختلف تمرینی، اثرات متفاوت فیزیولوژیکی و روانی ایجاد میکند که بر همین اساس، مشخص شده است که تمرینات مقاومتی بیشترین تأثیر را روی افسردگی دارد و در مقابل یوگا و دیگر ورزشهای بدنی-ذهنی بر کاهش اضطراب موثرتر هستند.



مختلف، به عنوان گام آخر درمان این اختلالات، در نظر گرفته می شود. علاوه بر روش های دارویی، روش هایی مانند مشاوره درمانی، رژیم های غذایی و تکنیک هایی از جمله درمان های رفتاری شناختی وجود دارند که نتایج ضد و نقیضی درباره اثربخشی آنها گزارش شده است. نقش مدیریت سبک زندگی، مانند ورزش منظم، چرخه خواب و تغذیه سالم در میان رهنمودهای کلینیکی در کشورهای مختلف، متفاوت است. در آمریکا، مداخله های دارویی و روان درمانی، به عنوان درمان اولیه و روشهای سبک زندگی به عنوان روشهای مکمل در نظر گرفته

کاهش و پیشگیری از آن‌ها اندیشیده شده است. یکی از این راه‌ها درمان دارویی است که با توجه به عوارض مختلف، به عنوان گام آخر درمان این اختلالات، در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر روش‌های دارویی، روش‌هایی مانند مشاوره درمانی، رژیم‌های غذایی و تکنیک‌هایی از جمله درمان‌های رفتاری شناختی وجود دارند که نتایج ضد و نقیضی درباره اثربخشی آن‌ها گزارش شده است. نقش مدیریت سبک زندگی، مانند ورزش منظم، چرخه خواب و تغذیه سالم در میان رهنمودهای کلینیکی در کشورهای مختلف، متفاوت است. در آمریکا، مداخله‌های دارویی و روان درمانی، به عنوان درمان اولیه و روش‌های سبک زندگی به عنوان روش‌های مکمل در نظر گرفته می‌شوند و این درحالیست که مداخلات دارویی و روان درمانی، چندان هم موثر نیستند. در کشورهای دیگری مانند استرالیا، مدیریت سبک زندگی به عنوان اولین روش درمانی توصیه می‌شود، در صورتیکه، اغلب روش‌های دارویی، ابتدا تجویز می‌گردد. مطالعات زیادی، تاثیر فعالیت بدنی را بر افسردگی، اضطراب و اختلالات

امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی و سبک زندگی ماشینی، شیوع بیماری‌های مختلف جسمی، از جمله بیماری‌های قلبی عروقی، دیابت، فشارخون، مفصلی و چاقی و... افزایش یافته که شرایط دوران کرونا نیز، منجر به افزایش بیشتر این بیماری‌ها شده است. مطالعات نشان داده است که، در کنار بیماری‌های جسمانی، بیماری‌های روحی-روانی نظیر افسردگی و اضطراب نیز، در دوران کرونا و پس از آن به میزان ۳۵ تا ۳۸ در سراسر جهان، شیوع بیشتری داشته است. گزارش شده است در سال ۲۰۱۹، معادل یک هشتم افراد در سراسر دنیا، تحت تأثیر اختلالات سلامت ذهنی قرار گرفته‌اند و حدود یک دوم آنها (۴۴) یک اختلال ذهنی و روانی را در زندگیشان تجربه کرده‌اند. افسردگی در واقع یک اختلال ذهنی و روانی است که منجر به افزایش اضطراب در افراد میشود و عملکرد روزانه فرد را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. با توجه به اهمیت اختلالات افسردگی و اضطراب و افزایش شیوع آن در سال‌های اخیر، تا کنون تمهیدات بسیاری برای



که نسبتاً جدید است. این روش باعث می‌شود تغییر حالت هوشیاری و طبیعی بهتر صورت گیرد و منبع درونی مددجو فرایندی یکپارچه را طی کند. فرایند منبع درونی با ذهن، بدن و روح سر و کار دارد که از طریق مدیتیشن می‌توان به این منبع دست پیدا کرد. مدیتیشن می‌تواند برای مدت‌زمان محدودی نیازهای مراقبت نظارت‌شده را، برآورده سازد. مکانیسم اثر این روش بر کاهش اضطراب می‌تواند بر اساس تأثیر آن بر همین منبع درونی، ایجاد امید و بهبود سطح کیفی زندگی باشد. بنابراین این روش که با معنویت نیز مرتبط است می‌تواند به عنوان یک درمان برای کاهش افسردگی و اضطراب مطرح باشد. مدیتیشن، بخش‌های مهم مغز را که با احساسات در ارتباط هستند، تقویت میکند. فعالیتهایی نظیر گوش دادن به موسیقی، مطالعه، یوگا، ورزش و مدیتیشن، شادی و آرامش را به همراه دارد، بنابراین، افسردگی را کاهش می‌دهد. برخی محققان معتقدند که مدیتیشن با کاهش افکار منفی و نشخوار فکری، اضطراب را کاهش میدهد. همچنین، مدیتیشن بر متابولیسم، سیستم غدد درون ریز، سیستم عصبی مرکزی و سیستم عصبی خودکار نیز اثر دارد. از طریق مدیتیشن، تعداد تنفس و ضربان قلب و فشار خون کاهش می‌یابد و امواج آلفای مغز افزایش یافته و همه‌ی این مکانیسم‌ها، باعث کاهش اضطراب و درد می‌گردد. از طرفی، در کنار تمام فواید مثبت ورزش و فعالیت بدنی، تحقیقات نشان داده است که شدت ورزش و فعالیت بدنی بر میزان بهبود افسردگی و اضطراب فرد اثرگذار است. بر همین اساس، محققان اظهار داشته‌اند که ورزش‌های با شدت متوسط و بالا نسبت به ورزش‌های با شدت کم مانند پیاده روی، تأثیر بیشتری دارند. در برخی از مطالعات هم، تأثیر ورزش به تفکیک ورزش‌های هوازی یا غیرهوازی بر اضطراب نشان داده شده است که نتایج برخی از این مطالعات حاکی از اثر بیشتر ورزش‌های غیرهوازی بر اضطراب است. فعالیت



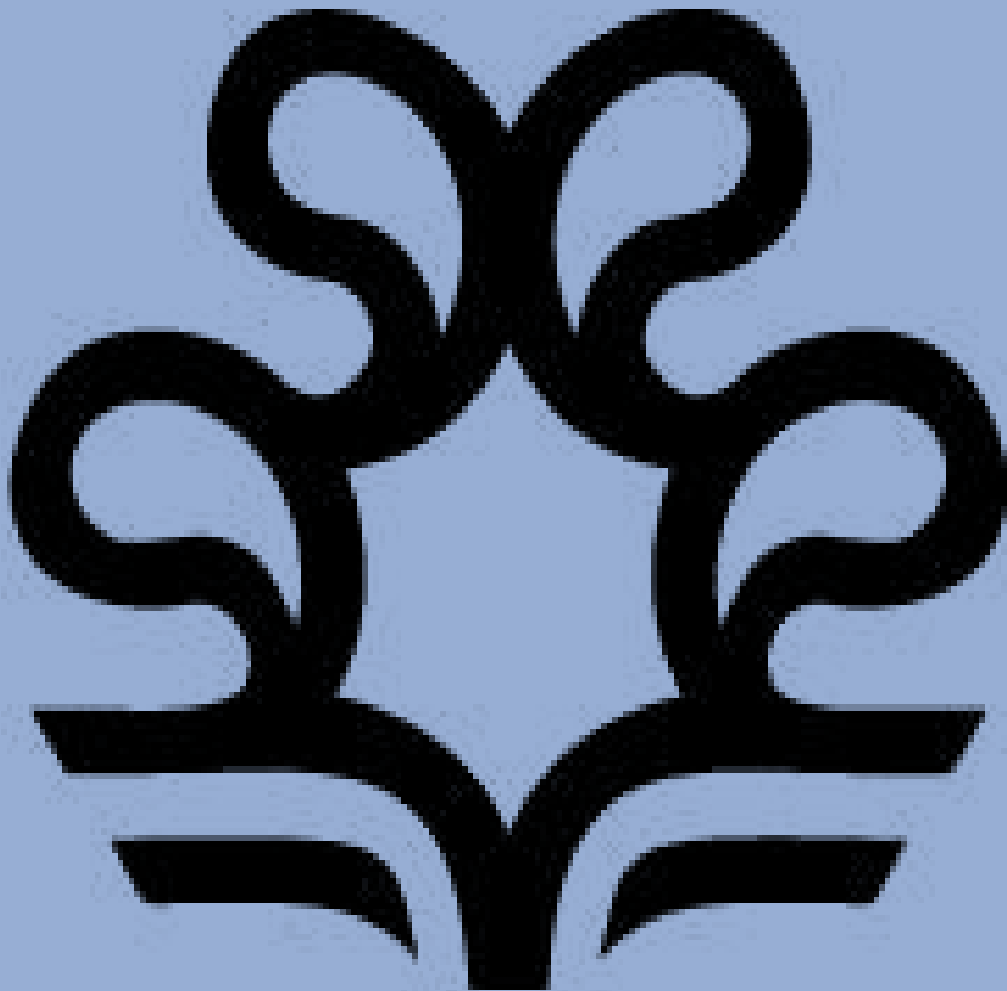
روانی مورد بررسی قرار داده‌اند که بسیاری از آنها، اثرات مشابه ورزش بر این اختلالات را، با روان‌درمانی و دارودرمانی گزارش نموده‌اند که علاوه بر داشتن فواید بیشتر، هزینه و عوارض جانبی کمتری در مقایسه با روش‌های ذکر شده دارد و باعث کاهش افسردگی و اضطراب در تمام بیماران می‌گردد. بیشترین تأثیر فعالیت بدنی در افراد دارای افسردگی، زنان باردار و دوران پس از زایمان مشاهده شد. تحقیقات نشان داده است که، تمام مدل‌های تمرینی از قبیل هوازی، مقاومتی، ترکیبی و یوگا بر بهبود بیماری، موثر می‌باشند، اما در میان آنها روش‌های تمرینی شدید، در بهبود افسردگی و اضطراب موثرترند. به نظر میرسد، اثرات مفید فعالیت بدنی بر افسردگی و اضطراب بدلیل ترکیبی از اثر مکانیسم‌های روانشناختی، عصبی، فیزیولوژیکی و اجتماعی می‌باشد. از منظر فیزیولوژیکی، ورزش می‌تواند تناسب بدن فرد را بهبود ببخشد، بر انتقال‌دهنده‌های سیستم عصبی درگیر در اضطراب و سطوح هورمون‌های استرس اثر داشته باشد و باعث کاهش انقباض عضلات و در نتیجه کاهش اضطراب شود. گزارش شده است که روش‌های مختلف تمرینی، اثرات متفاوت فیزیولوژیکی و روانی ایجاد میکنند که بر همین اساس، مشخص شده است که تمرینات مقاومتی بیشترین تأثیر را روی افسردگی دارد و در مقابل یوگا و دیگر ورزش‌های بدنی-ذهنی بر کاهش اضطراب موثرتر هستند. روش دیگری که در کنار ورزش و فعالیت بدنی، در برخی از مطالعات به عنوان روشی مؤثر در کاهش افسردگی و اضطراب توصیه شده است، مراقبه یا همان مدیتیشن است. برخی از مطالعات نشان داده‌اند مدیتیشن با افزایش تمرکز افراد و همچنین بالا رفتن روحیه آنها باعث جلوگیری از اضطراب می‌شود و علائم اضطراب و افسردگی را کاهش می‌دهد. مدیتیشن ترکیبی از دو سیستم قدرتمند تأمل‌گرایانه و روان‌درمانی بوده



ورزش با شدت متوسط تا زیاد را توصیه کرده اند. همچنین، مطالعات نشان داده اند که حتی دوره های کوتاه مدت فعالیت بدنی نیز میتوانند به همان اندازه ی دوره های بلند مدت، این اثرات مثبت را ایجاد کنند. در نهایت میتوان گفت که فعالیت بدنی برای کنترل علائم افسردگی و اضطراب افراد بسیاری شامل افراد عادی و افراد دارای بیماریهای ذهنی و افراد با مشکلات بالینی مختلف، موثر است و از آنجایی که اکثر افراد دارای افسردگی و اضطراب، دچار بیماریهای همراه دیگری نیز می شوند لذا فعالیت بدنی برای سلامت ذهنی و روانی و کنترل بیماریشان، مفید می باشد و توصیه می گردد که ورزش منظم سرلوحه زندگی قرار گیرد.

نشان داده شده است که نتایج برخی از این مطالعات حاکی از اثر بیشتر ورزشهای غیرهوازی بر اضطراب است. فعالیت بدنی و ورزش از طریق مکانیسمهای مختلف عصبی-مولکولی شامل افزایش بیان فاکتور نروتروفیک، افزایش دسترسی به سروتونین و نوراپی نفرین، تنظیم فعالیت محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال، کاهش التهاب سیستماتیک و تنش در عضلات و همچنین، بهبود ویژگیهای روانشناختی مانند اعتماد به نفس، عزت نفس و خودکارآمدی، به بهبود افسردگی کمک میکند. بنابراین، فعالیتهای با شدت کم، ممکن است برای تحریک تغییرات عصبی و هورمونی که، با افزایش بهبود افسردگی و اضطراب همراه است، کافی نباشد. بطور کلی، اکثر مطالعات، اثرات مثبت مدلهای





شیوا یزدانی
دانش آموخته دکتری
دانشگاه شیراز

مرکز مطالعات زنان دانشگاه شیراز

این مرکز در حوزه طرح، آموزش، همایش و .. فعالیت مستمری از سال ۱۳۸۲ تا کنون داشته است به عنوان نمونه طرح های متعددی در مرکز مطالعات زنان دانشگاه شیراز در سال ۸۱ تا کنون توسط اساتید متخصص صورت گرفته است که اهم آن عبارتند از بررسی و ارزیابی توانمندسازی زنان (نمونه مورد مطالعه زنان توانمند شهر شیراز) دکتر حبیب احمدی ۱۳۸۲ بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی بر ساخت قدرت در خانواده مورد شهر شیراز، دکتر محمد کریم منصوریان و دکتر حلیمه عنایت ۱۳۸۳

مرکز مطالعات زنان دانشگاه شیراز در بهمن ماه سال ۸۲ به عنوان دومین مرکز مطالعات زنان در کشور، تاسیس شده است که از ابتدا مسئولیت این مرکز بر عهده سرکار خانم دکتر حلیمه عنایت بوده است و از سال ۱۴۰۱ مسئول مرکز جناب آقای دکتر منصور طبیعی هستند. مرکز مطالعات زنان دارای گروه های مرکز مطالعات اجتماعی زنان مطالعات حقوقی مطالعات تربیتی و روانشناختی است که با اهداف زیر تاسیس شد مطالعات دقیق پیرامون مسائل و مشکلات زنان هدایت طرح های پژوهشی شناخت-ارتقاء سطح علمی و آگاهی های زنان با توجه به* زمینه های اجتماعی مناسب ایجاد شده اطلاع رسانی در خصوص مواردی که زنان در آن نقش مناسبی دارند دستیابی به راه کارهای علمی در جهت حل مسائل و مشکلات* زنان در جامعه همکاری با مراکز آموزش عالی، مراکز پژوهشی و سازمان های اجرائی توانمندی های بالقوه زنان و نقش آنان در توسعه



مرکز مطالعات
زنان دانشگاه
شیراز در بهمن
ماه سال ۸۲
تاسیس شد.





مرکز مطالعات
زنان دانشگاه
شیراز دومین
مرکز کشوری
میباشد

و طلاق در ایران طی دهه
منتهی به سال ۱۳۹۷ دکتر
محمود بحرانی ۱۳۹۸
مطالعه عوامل مرتبط با
اعتیاد زنان در شهر شیراز
دکتر حلیمه عنایت ۱۳۹۹
سند ارتقاء زنان دکتر
حلیمه عنایت ۱۴۰۰
در حوزه آموزش نیز این
مرکز همچنان از ابتدا فعال
بوده است که اهم کارگاه
های آموزشی آن عبارتند از

بررسی مقایسه‌ای مشارکت اقتصادی زنان روستایی استان‌های
فارس و کرمان (بخش نخست استان فارس) دکتر عبدالعلی
لهسایی‌زاده- دکتر جهانگیر جهانگیری سال ۱۳۸۳
بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا توسط زنان و پیامدهای آسیب
شناختی آن بر خانواده دکتر حلیمه عنایت دکتر مجید موحد
۱۳۸۵
اثر بخشی الگوی حل مسأله خانواده‌های ایثارگران استان فارس
دکتر محمد تقی ایمان- دکتر حبیب احمدی- دکتر رحمت‌اله
مرزوقی- حسین افراسیابی ۱۳۸۷
تحلیلی بر روند تغییرات آمار ازدواج در استان فارس طی سه
سرشماری ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵: افزایش آمار ازدواج، پایا یا گذار
دکتر محمود بحرانی ۱۳۹۷
ارزیابی طرح بهار نکو و بررسی نقاط قوت و کاستی‌های آن
دکتر حلیمه عنایت همکاران: دکتر مریم حسینی- دکتر خدیجه
اسدی سروستانی ۱۳۹۷
تحولات ۵۰ ساله رشد باسوادی در ایران: زنان، روستائیان و
سالمدان در حاشیه دکتر محمود بحرانی ۱۳۹۷
مروری بر آمارهای ازدواج و طلاق در ایران طی دهه منتهی به

دکتر حلیمه عنایت و
دکتر مجید موحد

خشونت خانگی علیه زنان جهت مسئولین آموزش
خانواده در آموزش و پرورش با حمایت

دکتر حلیمه عنایت و
دکتر مجید موحد

روابط دختر و پسر قبل از ازدواج و چالش‌های رویارویی با آن در
جامعه برای مشاورین خانواده و آموزش و پرورش در ۲ مرحله

دکتر حلیمه عنایت و
دکتر مجید موحد

اجرای کارگاه توسعه و سلامت روان زنان در شیراز

دکتر حلیمه عنایت و
دکتر مجید موحد

اجرای کارگاه توانمندسازی زنان ویژه زنان
سرپرست خانواده در یاسوج

دکتر حلیمه عنایت و
دکتر مجید موحد

اجرای کارگاه حقوق شهروندی توانمند
سازی زنان در شیراز

دکتر حلیمه عنایت

تحلیل جنسیتی ویژه جمعی از زنان آموزش و پرورش
استان گلستان

دکتر حلیمه عنایت و
دکتر مجید موحد

طراحی و اجرای دو کارگاه آموزشی جهت همسران و
دختران شهدای استان فارس

دکتر حلیمه عنایت و
دکتر مجید موحد

اجرای دو کارگاه توانمند سازی زنان ویژه کارمندان و
اعضاء هیئت علمی زن دانشگاه شیراز

دکتر حلیمه عنایت

خشونت علیه زنان در شیراز در ۴ مرحله

دکتر حلیمه عنایت و
دکتر مجید موحد

کارگاه زنان و محیط زیست

طاهره سلطانی

برگزاری ۵ دوره کارگاه آموزشی شاد زیستن جهت
کارکنان دانشگاه شیراز

دکتر حلیمه عنایت

نابرابری جنسیتی و توانمندسازی زنان ویژه
دانشجویان دانشگاه شیراز

دکتر حلیمه عنایت

نابرابرای جنسیتی و راه‌های کاهش تبعیض علیه زنان،
ویژه دانشجویان علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

دکتر حلیمه عنایت

توانمندسازی اجتماعی دختران شهدا و افزایش
مشارکت اجتماعی

دکتر حلیمه عنایت

کارگاه آموزشی نقش زن در توسعه پایدار ویژه رؤسای
ادارات آموزش و پرورش استان فارس

دکتر حلیمه عنایت

کارگاه آموزشی تحلیل جنسیتی ویژه جمعی از زنان
آموزش و پرورش استان گلستان

دکتر حلیمه عنایت

نظارت بر اجرای کارگاه توانمندسازی زنان فرهنگی
سرپرست خانواده با آموزش و پرورش استان فارس

دکتر محمد تقی ایمان

مسأله یابی و حل مسأله جوانان در خانواده

دکتر حلیمه عنایت

مشارکت اجتماعی زنان مخصوص زنان عضو هیئت
علمی دانشگاه شیراز

همایش بررسی مسائل جمعیتی
ایران

دومین همایش بررسی مسائل
جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان

همچنین همایش های متعددی نیز در راستای اهداف مرکز
برگزار گردیده است که عبارتند از
اجرای بخش علمی همایش ارتقاء سلامت اجتماعی زنان
سرپرست خانوار



ارتقای سلامت اجتماعی زنان
سرپرست خانوار اسفند ۹۱
اولین همایش تغییر خانواده و
چالش های آن در ایران (۷ و
۸ اردیبهشت ۹۵

همایش ملی تغییرات خانواده در ایران و چالش های رویاروی آن
در سطح ملی
اولین همایش ملی توانمند سازی زنان، خانواده و آسیب های
اجتماعی ۵/۲/۹۸ فسا
بررسی مسائل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان ۲۳ و ۲۴
اردیبهشت ۸۳

ما را در اینستاگرام دنبال کنید

Instagram

@zanan_va_khanevadeh_shirazuni



افسانه صفوی بانوی شیمی ایران



زندگینامه مختصری از پروفسور افسانه صفوی

دکتر افسانه صفوی متولد ۱۳۳۴ شیراز است. او تحصیلات کارشناسی خود را در سال ۱۳۵۰ در رشته شیمی از دانشگاه شیراز دریافت کرد و در سال ۱۳۵۵ با بورس رتبه اولی وزارت علوم برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه بیرمنگام انگلستان شد. در سال ۵۷ موفق به اخذ دانشنامه کارشناسی ارشد شد و در سال ۶۰ دانشنامه دکترای خود را در رشته شیمی تجزیه، دریافت کرد. دوره کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۵۷ و دوره دکترا را در سال ۱۳۶۰ در دانشگاه بیرمنگام انگلستان به پایان برد و به عنوان نخستین زن ایرانی شناخته شد که در علوم پایه به رتبه استادی رسید. دکتر صفوی بیش از ۱۵۵ مقاله در مجلات علمی معتبر بین‌المللی و ۱۳۰ مقاله در کنفرانس‌های داخلی و خارجی دارد و راهنمایی و سرپرستی ۲۶ رساله دکترا و ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد را در کارنامه خود داشته اند

او همچنین برنده جایزه علمی بین‌المللی پروفسور عبدالسلام در ایتالیا در رشته شیمی شدند، به عنوان پرمقاله‌ترین دانشمند زن کشورهای جهان سوم شناخته شدند و برنده نشان دانش (سال ۱۳۸۳) و دارنده

عنوان استاد نمونه کشوری سال ۱۳۸۰ و چندین بورس، نشان و جایزه علمی داخلی و خارجی هستند

که از آن جمله می‌توان به بورس هامبوست از کشور آلمان اشاره کرد. از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به عضویت در هیات تحریریه مجلات علوم و فناوری



ایران و مجله انجمن شیمی ایران، خدمت‌رسانی در نقش مشاور اداره کل محیط‌زیست استان فارس و داوری مقالات مجلات معتبر بین‌المللی اشاره کرد.

به نظر شما یک زن موفق چه ویژگی‌هایی دارد؟
به عقیده من راههای موفقیت برای زنان و مردان در جامعه متفاوت نیست، زیرا انسان موفق کسی است که در زندگی هدف مشخصی را دنبال و برای آن برنامه ریزی صحیحی داشته باشد و در مسیری درست برای رسیدن به هدفش تلاش کند.

علاوه بر این چیزی که به انسان در زندگی و در راه رسیدن به موفقیت بسیار کمک می‌کند توکل به خداوند است، به عنوان مثال برای هر انسانی ممکن است در زندگی شرایط سخت و نامناسبی پیش آید که با وجود سعی و کوشش فراوان مایوس شود و این جاست که توکل به خداوند می‌تواند در ایجاد امید بسیار مؤثر باشد. به هر حال برای حضور زنان جامعه ما در پستهای کلان مدیریتی کشور، موانعی وجود دارد.

من هم موافقم که در فرهنگ جامعه ما این تصور غلط جا افتاده که زنان در حوزه مدیریتی و پستهای بالا نمی‌توانند به اندازه مردان فعال باشند. در حالی که زنانی که در امور مدیریتی کلان مملکت وظایف خطیر را بر عهده دارند به خوبی شایستگی خود را در انجام این مهم به اثبات رسانیده‌اند. به هر حال به نظر می‌رسد این مشارکت رو به رشد است و در آینده نیز به طور اجتناب‌ناپذیر بیشتر خواهد شد.

شما در ششمین همایش چهره‌های ماندگار به عنوان یک چهره فرهیخته برگزیده شدید عامل موفقیت خود را در چه می‌دانید و آیا برای رسیدن به این پایگاه علمی برجسته با مشکل خاصی مواجه نشدید؟

برای برگزیده شدن در چنین همایش‌هایی لازم است که فرد به مرجعیت در رشته تخصصی خود رسیده باشد اما درباره قسمت دوم سوال شما باید بگویم واقعاً در طول فعالیت‌های علمی ام، هیچ‌گاه به عنوان یک زن مانعی بیشتر از آنچه دیگر همکاران آقا با آن مواجه بوده‌اند نداشته‌ام و احساس نکردم.

خانواده‌تان را در موفقیت‌های خود چقدر مؤثر می‌دانید؟
خانواده من در موفقیت‌هایم سهم بسیار زیادی دارند، به طوری که حمایتها، تشویقها و کمکهای بی‌دریغ پدر و مادر بزرگوام در تمام امور زندگی و همچنین همکاری و همدلی همسر و فرزندان خوبم که بار اضافی کار زیاد بیرون از منزل را با صبر تحمل کرده‌اند در پیشرفت‌هایم بسیار چشمگیر بوده است. خوشبختانه شواهد کاملاً روشنی داریم که زنان جامعه ما در صحنه‌های مختلف علمی، فرهنگی و هنری درخشانند و به خودباوری لازم برای حضور فعال در این صحنه‌ها دست یافته‌اند.

زندگی نامه جهادگر شهید نسرین افضل

خداپسندانه اش، به عنوان جهادگری آراسته به گوهر اندیشه و خرد در یکی از روستاهای مجاور شیراز «روستای دودج» برای زنان و دختران جوان آن دیار به برگزاری کلاس های فرهنگی همت می گمارد و آنان را با اصول و معارف انسان ساز اسلام مأنوس و مألوف می کند؛ سپس فعالیت پر بارش را در روستای دیگر «دشمن زیاری» ادامه می دهد و در منطقه «فراشبند» از توابع استان فارس به برگزاری نمایشگاه عکس و کتاب مبادرت می ورزد.

در آغاز سال ۱۳۶۰ نسرین از فقر فرهنگی شدید کردستان آگاه شد و با برادر بزرگوارش احمد افضل (مفقود الاثر) درمورد رفتن به آنجا به مشورت پرداخت و در همین زمان بود که جهاد اعلام کرد که جهت رشد هر چه بیشتر فرهنگی خواهران در کردستان احتیاج است که تعدادی از خواهران متعهد

نسرین افضل در سال ۱۳۳۸ در خانواده مذهبی در شیراز پا به عرصه وجود نهاد و روزها و سال های کودکی را به عطر رأفت و عطوفت مادری نیکروش و به همت و اهتمام پدری مخلص و متدین با شریفی گذراند.

وی در دوران تحصیل به عنوان یکی از دانش آموزان پرشور و باشعور، بر بسیاری از نابسامانی ها در رژیم طاغوت، خردمندانه اعتراض کرد، تا جایی که مورد تعقیب نیروهای امنیتی قرار گرفت. وی با روحی سرشار از پیوستگی به درگاه احدیت کمر به خدمت خلق خدا بست و قدرت خویش را صرف خدمت در کمیته امداد و کمیته امام و سپاه و جهاد سازندگی نمود.

وی مطلوب خود را در جهاد سازندگی یافته و با خدمت به محرومترین قشر جامعه بیشترین قرب به پروردگار را برای خود کسب می نمود. وی در نخستین تلاش



به آن خطه عزیمت نمایند و مجدّانه به کار بپردازند.

دگر بار شهیده افضل فضیلت الهی خویش را هویدا کرد و با کوشش فراوان خواهران دیگری را جمع کرده و با مشورت با علمای شهر راهی کردستان شد. چیزی نگذشت که گوهر وجود وقف الهی شده نسربین عزیز بر همه نمایان شد و همه ارگان ها سعی در به خدمت گرفتن او داشتند و او که هدفش به جز قرب الهی نبود تا آنجا که توان داشت ارگان های ضعیف و مردم محروم آنجا را توان الهی می بخشید حتی وقت استراحت شبانه خویش را در فرمانداری و برای تقسیم کوپن های مردم مهاباد صرف می نمود گاهاً تا نیمه های شب با وجود خطرهای فراوان آن شهر که چون شهر به تاراج رفته در اختیار ضدانقلاب بود برای آموزگاران متعهد آن دیار جلسه می گذاشت.



وی به خاطر نیاز شدید آموزش و پرورش به مربی، با عنوان مربی تربیتی در مهاباد مشغول به کار شد و همزمان معلمان نهضت سوادآموزی نیز تحت تعلیم او قرار گرفتند. وی در سال ۱۳۶۱ با یکی از پاسداران ازدواج کرده و پس از ازدواج با وجود فعالیت زیاد اجتماعی، آنگاه که به کاشانه اش بازمی گشت، با ذوق و ظرافتی ستودنی، خانه ساده و بی پیرایه را به بهشتی روح بخش تبدیل کرد

این شهیده در آخرین شب فروزندی اش، با وجود تب شدید و بیماری از همسرش خواست که او را به مجلس دعای توسل برساند؛ با وجود پافشاری همسرش برای استراحت، در مراسم دعا حضور یافت و به گفته دوستانش آن شب مثل همیشه او به شدت منقلب بود. مراسم دعا و نیایش به پایان رسید و این شهیده، در حالی که برای مراجعت به منزل سوار اتومبیل بود، مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و از آنجاکه همیشه آرزو داشت مانند شهید مطهری به شهادت برسد، پس از یک سال حضور در مهاباد، در شامگاه دهم تیر ۶۱ در اوج خلوص و خدمت به اسلام به آرزوی دیرین خود رسید.





وصیتنامه شهیده نسرین افضل



ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله...» شهادت بالاترین درجه‌ای است که یک انسان می تواند به آن برسد و با خونش پیامی می دهد به بازماندگان راهش

یا ایتها الفس مطمئنه» ارجعی الی ربک راضیه المرضیه، فدلی فی عبادی»
وادخلی جنتی. ای نفس قدسی ودل آرام (بیاد خدا). امروز بحضور پروردگارت بازآی که توخشنود (به نعمت های ابدی او) و او راضی او تواست. باز آی و در صف بندگان خاص من درآی. و در بهشت من داخل شو

پروردگارا! سپاس که ما را در مبارزه با طاغوت و براندازی رژیم کفر پیشه و وابسته به شیطان بزرگ، آمریکای جهانخوار یاری فرمودی و به ما رهبری آگاه و پرتوان ارمغان نمودی تا ما را از تاریکی ها و ظلم رهانید و با ایجاد وحدت در میان مردم مسلمان و شهید پرور نظام جمهوری اسلامی را در این سرزمین مقدس بنا نهاد

خداوندا، به ما توفیق عبادت و اطاعت عنایت فرموده و ما را از شر هوای نفس محفوظ بدار. بارخدایا، به ما یاری کن تا با اسلام راستین آشنایی پیدا کرده و در عمل به تعالیم آن بکوشیم. ایزدا، ما را در کسب علم و ترویج فرهنگ قرآن و اسلام در مدارسمان یاری و موفق دار

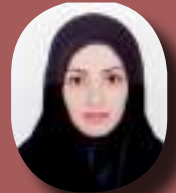
الها! بما قدرتی عنایت کن که پرچم لا اله الا الله را بر سراسر جهان به اهتزاز درآوریم. خداوندا، کشور اسلامی ما را از کشورهای تجاوززگر و سلطه طلب بی نیاز دار

بار الها، اخلاق اسلامی، آداب و عادات قرآنی را بر کشور عزیزمان ایران و مدارسمان حاکم بگردان. بار ایزدا، به رهبر کبیرمان امام خمینی عمر و توفیق بیشتر عنایت دار تا با رهنمودهایش مسلمین و مستضعفین جهان به استقلال و آزادی واقعی دست یابند

خداوندا، ایران و اسلام را از شر کفار و منافقین و حیلله‌های زورمداران شرق و غرب و نوکرانشان به دور داشته، رزمندگانمان را در جبهه‌های حق علیه باطل بتوان و پیروز بدار. کریم، ما را در صدور انقلاب خونبارمان به جهان، توان ده و آن را تا انقلاب مهدی (عج) استوار بدار



کنشگری زن در منظومه معرفتی اسلام



هانیه مومن

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث



چکیده

دشمنان همواره در تلاشند تا نگاه اسلام به زن را یک نگاه حقارت آمیز و رادیکالی، همراه با جمود، تعصب و ایستایی معرفی نمایند. آنان در این زمینه عمدتاً با تمسک به برخی آیات قرآن کریم و برداشت های سطحی و ناروا از آن آیات، به شبهه افکنی پرداخته و در مسیر پیشبرد اهداف خود گام برمی دارند. اما کاوشی جامع و فراگیر در نصوص دینی به همراه قرائن

و شواهدی که در بطن آن ها مشاهده می شود، حاکی از آنست که توصیف اسلام با چنین رویکردی نسبت به زن از اساس باطل بوده و مخالف با فطرتی است که در نهاد هر انسانی اعم از زن یا مرد تعبیه شده است. مقدمه

اگر چه در اسلام مهم ترین و اصلی ترین نقش زن، همسررداری و فرزند پروری معرفی شده است که طبعاً این نقش، موازی با نوع آفرینش این جنس می باشد،

می دارد، آیاتی است که در مقام وضع قانون حجاب می باشند. در واقع مسئله ی حجاب در اسلام که متاسفانه امروز به کرات مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته است، اساسا بیانگر کنشگری و نقش فعال زن در جامعه ی اسلامی می باشد و این امر کاملا مغایر با نگاه پیش گفته است که از اسلام، چهره ای رادیکالی علیه زنان ترسیم می نمود. به بیان دیگر وضع قانون حجاب در اسلام، بیانگر جدی بودن حضور زن در جامعه می باشد و الا زن

در خانه و نزد محارم خویش اساسا چه نیازی به حجاب دارد؟ دکتر سوزنجی استاد حوزه و دانشگاه بر این مسئله تاکید نموده و معتقد است حجاب یعنی پذیرش این که زن می خواهد وارد جامعه بشود، مردان را هم ببیند اما با رعایت حریم. اگر منظور اسلام این است که زنان خانه نشین باشند، اساسا چرا قانون حجاب مقرر گردید؟ پس حکم حجاب بر این مطلب دلالت دارد که اسلام حضور زنان را در جامعه که مستلزم تعامل آنان با مردان و بالعکس می باشد، پذیرفته است (سخنرانی دکتر (سوزنجی ۱۴۰۱/۰۹/۱۲).

در ادامه به ذکر شواهدی در نصوص

دینی و تاریخی که مستقیما بیانگر نقش و مشارکت زنان در عرصه های مختلف جامعه می باشد، پرداخته می شود. زنان در عرصه سیاست نقش سیاسی زنان در اسلام یک مسئله پویا و چند وجهی است که از گذشته تا به امروز تحولات بسیاری را تجربه کرده است. از نقش مهم زنان در دوره پیامبر

در عین حال تاکید اسلام بر اهمیت این موضوع، منافی با کرامت زن و نیز نقش آفرینی او در سایر عرصه ها آن گونه که برخی مستشرقان نظیر دکتر سها می پندارند، نمی باشد. وی در این مورد می نویسد «قرآن می گوید که زنان باید در خانه بنشینند. همچنین با توجه به آیات و احادیث، زنان در اسلام موجودات عاطل و کم ارزشی هستند که تنها به خدمت جنسی مردان و زائیدن مشغولند. این امر موجب می شود توان نیمی از جمعیت مسلمانان هدر برود و در رشد و توسعه

ی کشور نقشی نداشته (باشد)» (سها، ۱۳۹۳، ص ۵۳۰). در واقع به باور چنین افرادی، زنان در اسلام، باید به صورت دقیق در یک نقش خاص و محدود مانند نقش خانه داری یا مراقبت از خانواده فعالیت کنند و آن ها اجازه دسترسی به آموزش عالی یا مشارکت فعال در حیطه های اجتماعی و سیاسی را ندارند. در این نگاه غیر واقع بینانه از اسلام، توصیه ها و محدودیت هایی برای رفتارها و فعالیت های زنان تعیین شده است که آزادی های فردی و حقوق اجتماعی را از آن ها سلب می نماید. به عبارتی در این نگاه، پرداختن زنان به وظایف درون خانواده، به عنوان امری تلقی می شود که آنان را در برابر ورود به محیط های عمومی و جامعه، ایزوله می سازد. اهمیت اسلام به حضور زنان در عرصه های مختلف افزون بر وجود شواهد و



قرائن صریح در قرآن، روایات و متون تاریخی مبنی بر پذیرش اسلام در مسئله ی حضور زنان در جامعه، برخی آیات قرآن کریم تلویحا و بصورت غیر مستقیم به این مسئله اشاره دارند. از جمله آیات مهم در این زمینه که تلویحا موافقت اسلام با حضور زنان در جامعه را اعلام می دارد، آیاتی است که در مقام وضع

از کفار بگیرد همان گونه (اگر زن، مسلمان شده و به شما ملحق می‌شد،) هزینه‌هایی را که شوهران کافر پرداخت کرده بودند باید از شما درخواست نمایند. این حکم الهی است که خداوند میان شما (مقرّر داشته و خداوند آگاه حکیم است) (ممتحنه، ۱۰) در این باره نقل شده که بعد از هجرت پیامبر اکرم (ص)، بعضی از زنان اهل مکه که مسلمان شده، ولی افراد خانواده آنان هنوز کافر و مشرک بودند، از مکه فرار کرده و به مدینه هجرت نمودند. آنها شوهر، خانه

و فرزند خود را رها کردند و برای پیوستن به رسول خدا، به سوی مدینه رهسپار شدند. شوهران آنان به مدینه آمدند و از رسول خدا خواستند مطابق صلح نامه حدیبیه، آنان را برگرداند، پیامبر به این استدلال که در صلح نامه فقط راجع به مرادن تعهد داده شده که برگردانده شوند، به آنان جواب ردّ داد. در این هنگام آیه شریفه نازل شد. پیامبر طبق دستور خداوند، زنان مهاجر را امتحان می‌کرد و وقتی صداقت آنان معلوم می‌شد، آنان را نگاه می‌داشت و مهریه و هزینه‌ای که کفار برای آنان پرداخت کرده بودند به شوهرانشان بر می‌گرداند و آنان

را به ازدواج مردان مسلمان در می‌آورد (حیدری، بی تا، صص ۳۰۲-۳۰۳) ابن عباس می‌گوید: امتحان زنان نامبرده این بود که سوگند بخورند که بیرون آمدنشان از دار الکفر فقط به خاطر محبتی بوده که به خدا و رسولش داشته‌اند، نه اینکه از شوهرشان قهر کرده باشند، و یا مثلاً از زندگی در فلان محل

اسلام (ص) گرفته تا مشارکت‌های زنان در انتخابات و تصمیم‌گیری‌های عمومی امروزی، زنان به عنوان یک قوه تحول آفرین در سیاست اسلامی حضور داشته‌اند. امام خمینی (ره) در اهمیت این موضوع می‌فرماید: «امور سیاسی، مخصوص یک طبقه نیست...، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم دوش مردها باشند (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۸، ص ۴۰۳) یکی از شواهدی که مبین اهمیت نقش سیاسی زنان در قرآن

می‌باشد، همراهی زنان در جریان هجرت با پیامبر اکرم (ص) است که خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَارِ وَ سَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لَيْسَتِلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه زنان مؤمن (از شوهر کافر جدا شده) هجرت کنان نزد شما آمدند، آنان را (از نظر ایمان) آزمایش کنید و خداوند به ایمان آنان آگاه‌تر است. پس اگر آنان را مؤمن تشخیص دادید، به سوی کفار باز نگردانید، نه



اینان برای آنان حلالند و نه آنان برای اینان حلال و آنچه را که شوهران کافر (برای این زنان) پرداخت کرده‌اند (از قبیل مهریه) به آنان بپردازید و بر شما گناهی نیست که با اینان ازدواج کنید، به شرط آن که مهریه آنان را بپردازید و همسران کافره را به همسری نگاه ندارید و آنچه از برای آنان پرداخت کرده‌اید.



افشا کرده، عواقب زیانبار آن را بیان می فرمایند. آن حضرت (س) تعجب خود را از چنین سرعتی در ارتداد، اعلام می کردند؛ از جمله، در انتخاب خلیفه و پشت پا زدن به دین، که هنوز پیامبرشان دفن نشده بود، و نیز از آوردن بهانه های بی جا برای عمل خود، که نکند جریان نوپای اسلام را به سمت و سوی دیگری ببرد و دچار فتنه شویم، و می خواهیم از فتنه جلوگیری کنیم و... . آن حضرت در بخشی از دفاعیات و خطبه خود، هماهنگ با آیه شریفه قرآن، به یکی از مصادیق عذر اجتناب از فتنه و در عین حال، سقوط در فتنه اشاره فرمودند: اِبْتَدَارَا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، و اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ (رضایی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۵۶ در مورد حضرت زینب (س) نیز باید بیان نمود نقشی که آن حضرت در حادثه ی عاشوار بر عهده داشت؛ نقش بسیار مهمی بود. این حادثه نشان داد که زن

در فلان محل بدشان می آمده، و از فلان سرزمین خوششان می آمده، و یا در مکه در مضیقه مالی قرار داشته اند، و خواسته اند در مدینه زندگی بهتری به دست آورند، و یا در مدینه عشق مردی از مسلمانان را در دل داشته اند، بلکه تنها و تنها انگیزه شان در بیرون آمدن عشق به اسلام بوده. و سوگند را به این عبارت یاد کنند به خدایی که به جز او هیچ معبودی نیست، من جز به خاطر علاقه به اسلام از شهر خود (بیرون نیامده ام (طباطبایی، ج ۱۹، ۱۳۷۴، ص ۴۱۳) از جمله شواهد تاریخی نیز در این زمینه می توان به نقش آفرینی شخصیت های بزرگی چون حضرت زهرا (س) و زینب کبری (س) در جریان پشتیبانی از ولایت اشاره نمود. یکی از اقدامات این بزرگواران، ایراد خطبه های روشنگرانه ایست که در این زمینه گزارش شده است برای نمونه حضرت زهرا علیها السلام توجیه نادرست صحنه گردانان سقیفه

در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. لیکن این مربوط به تاریخ نزدیک است، مربوط به امم گذشته نیست؛ یک حادثه‌ی زنده و ملموس است که انسان، زینب کبری را مشاهده می‌کند که با یک عظمت خیره‌کننده و درخشنده‌ای در عرصه ظاهر می‌شود؛ کاری می‌کند که دشمن که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است، در مقر قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود؛ داغ‌نگ ابدی را به پیشانی او می‌زند و پیروزی

او را به شکست تبدیل می‌کند. زینب (سلام الله علیها) نشان داد که می‌توان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک (جهاد بزرگ) بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹ شواهد و قرائن در این باره بسیار است که در این مجال فرصت ذکر تمام آن‌ها نیست. در هر حال این موارد نمونه‌هایی است که اثبات می‌کند در اسلام، زنان نیز حق مشارکت و مداخله در امور سیاسی را دارند و در این زمینه برای آنان ممنوعیتی وجود ندارد زنان در عرصه فرهنگی یکی از آیاتی که بیانگر نقش فرهنگی زنان در اسلام می‌باشد، آیه ۷۱ سوره توبه است که افزون بر نقش مردان در موضوع مهم امر به معروف و نهی از منکر، به نقش آفرینی زنان نیز در این زمینه اشاره دارد. در واقع آیه مذکور به وضوح نمایانگر این امر است که دین مقدس اسلام بر حضور زنان در صحنه‌ی فرهنگی اجتماع

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش (قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!)» (توبه، ۷۱) با توجه به آیه‌ی شریفه، زنان موظفند که همچون مردان با انجام این فریضه، در تربیت و اصلاح جامعه، سهیم باشند از دیگر قرائنی که نمایانگر نقش آفرینی زنان مسلمان در عرصه‌ی فرهنگی جامعه می‌باشد، فعالیت زنان در حوزه‌ی تعلیم و تربیت می‌باشد که بارزترین مصداق آن را می‌توان در سیره‌ی حضرت زهرا (س) مشاهده نمود از مهم‌ترین مواردی که می‌توان در این باره رصد نمود، تأثیرات عمیقی است که آن حضرت بر وجود خواص داشته‌اند. با آن که تاریخ در این باره ابهامات فراوان دارد، اما نمونه‌هایی از نقش آفرینی آن حضرت را می‌توان در محاورات و تشکیل جلسات علمی ملاحظه نمود. علامه مجلسی در این باره می‌فرماید: از منابع تاریخی چنین بر می‌آید که حضرت زهرا (س) برای این رسالت علمی و حتی اجتماعی خود با شخصیت‌هایی از یاران رسول خدا (ص) همچون سلمان، مقداد، ابوذر، بلال، عمار و جابر بن عبدالله انصاری در ارتباط بود و آنان در جلساتی به حضور آن حضرت رسیده و حوزه‌ی درسی تشکیل می‌دادند و ایشان سخنان آموزنده به آنان می‌آموخت ((فقیهی مقدس و جمعی از محققین، ۱۳۹۷، ص ۳۶) زنجیره‌ی روایاتی که در این زمینه نقل شده است نیز بیانگر نقش آموزگاری آن حضرت می‌باشد. برای نمونه در این باره نقل شده است: «قال سلمان الفارسی ان فاطمه الزهراء علیها السلام علمتني كلاما كانت تعلمته من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم...» (المهاجر، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۴۸۰) این شواهد حاکی از آنست که در اسلام زنان نیز همچون مردان در امور فرهنگی نقش آفرین بوده‌اند. نتیجه‌گیری

با توجه به شواهد قرآنی، روایی و تاریخی روشن می‌شود که بر خلاف شبهه افکنی‌های برخی معاندان، در اسلام، زنان با حفظ ارزش‌های زنانگی، افزون بر نقش مهم همسررداری و فرزندپروری توانسته‌اند در عرصه‌های مختلف اجتماعی حضوری فعال داشته باشند و





بدین ترتیب بطلان دیدگاه ایزوله سازی و انزوای زنان در دین مقدس اسلام تبیین می گردد. یکی از ملموس ترین قرائن موافقت اسلام با حضور زنان در اجتماع، وضع قانون حجاب می باشد که در حقیقت تشریح این قانون را می توان به مثابه ی تاکید اسلام بر کنشگری و حضور فعال و جدی زنان در جامعه دانست منابع :

قرآن کریم
حیدری، احمد، بی تا، بزرگ زنان صدر اسلام، قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی
خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
رضایی، زهرا و دیگران، ۱۳۹۳، نقش حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از حریم ولایت، نشریه معرفت، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
سها، ۱۳۹۳، نقد قرآن، بی جا، (ره)، شماره ۹۶
طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۰۲، المیزان بی نا
فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه

فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
فقیهه مقدس، نفیسه و جمعی از محققین، ۱۳۹۷، کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی. گروه علمی بانوان. نقش بانوان شیعه در گسترش علوم و تمدن اسلامی، قم: (امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)
المهاجر، عبدالحمید، ۱۴۱۳ق، واعلموا انی فاطمه علیها السلام، بیروت: دارالکتاب العتره
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۰۲/۰۱
سخنرانی دکتر سوزنچی ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۰۲/۰۱
سخنرانی دکتر سوزنچی ۱۴۰۱/۰۹/۱۲





ساره تنافرد

دانشجوی دکتری
دانشگاه شیراز

مطالعات زنان در دین

تمرکز کرد. برنامه‌ای منحصر بفرد در نوع خود که بر تحقیقاتی متمرکز شده است که پایه دانش در مورد زنان در دین را گسترش می‌دهد. تا کنون با شرکت بیش از ۱۰۰ محقق در این برنامه، مجموعه‌ای از پژوهش‌ها پدید آمده که به تغییر مطالعات دینی و الهیاتی رهبران دینی کمک کرده است. انتشارات آنها مفروضات دیرینه درباره معنای متون مقدس دینی، حضور زنان به عنوان رهبران دینی، و اهمیت آموزه‌ها و اعمال دینی را به چالش می‌کشد. در بسیاری از موارد، کار آنها جهانی بودن زبان و روش‌های مطالعات گذشته را زیر سوال می‌برد از آنجا که نقد فمینیستی بر تمامی حوزه‌های مطالعات

یا برنامه مطالعات زنان در دین با هدف بررسی نقش اساسی سنت‌های مذهبی در تعیین نقش زنان و مردان در برخی مراکز علمی جهان تأسیس شده است. در دانشگاه هاروارد هم اکنون تأسیس شده است. تحقیق در مذهب و جنسیت، موجب تبیین مسائل مربوط به تغییر نقش زنان در جوامع مذهبی و در حوزه‌های عمومی گسترده‌تر خواهد شد، در این برنامه منابع باورهای فرهنگی پیرامون سرپرستی، اختیار و ارزش‌ها مورد بررسی قرار گرفته و منابعی به منظور تغییر آنها ارائه خواهد شد که در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد، اولین برنامه‌ای بود که بر مطالعه میان رشته‌ای زنان و مذهب

تحصیلی، یک دوره مرتبط با موضوع تحقیقاتی خود را طراحی و تدریس می کند و به منظور عمیق تر شدن درک آن موضوع، یک سخنرانی ارائه می دهد به هر یک از محققان برگزیده به ازای یک سال فعالیت مبلغ ۶۰۰۰۰ دلار پرداخت می شود علاوه بر همکاران پژوهشی میهمان، تعدادی از اعضای هیأت علمی دائمی در زمینه مطالعات زنان تخصص دارند پروفیسور لیلا احمد، کاترین برکوس، جانت گیاتسو، امی هالیوود، مارک جردن، کارن کینگ، لورا نصرالله، مایرا ریورا ریورا، الیزابت شوسلر فیورنزا، و مدیر برنامه، آن براد، همگی دوره های مرتبطی را در مدرسه الهی ارائه می دهند. خصلت غیر فرقه ای مدرسه الهیات، با تقریباً سی سنت و فرقه دینی جهان در بین دانشجویان و اساتید آن، پایگاه عالی برای کار میان رشته ای و چندفرهنگی فراهم می کند. این مدرسه متعهد به آموزش زنان و مردان به عنوان رهبران زندگی عمومی در مؤسسات مذهبی و دانشگاهی و سایر مشاغلی است که با مطالعه دین غنی شده اند.



زهرا مبلغ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
استادیار مدعو مطالعات زنان و اسلام
عنوان پروژه: داستان سرایی برای عشق و تغییر:
خواندن داستان های زنان در جستجوی یک راوی
قرآنی فمینیست
حدود ۲۵ داستان در قرآن وجود دارد که یک یا چند زن در آن نقش دارند. مطالعه زبانی-روایی این داستان ها با روشن کردن معنای زنانگی از دیدگاه خداوند قرآنی، از رویکردهای فمینیستی جدید به قرآن حمایت می کند. این پژوهش همچنین به بررسی پدیده های تکراری در شیوه روایت داستان های قرآنی می پردازد که ویژگی های جدیدی را در مورد راوی قرآنی آشکار می کند.

تمرکز کرد. برنامه ای منحصر بفرد در نوع خود که بر تحقیقاتی متمرکز شده است که پایه دانش در مورد زنان در دین را گسترش می دهد. تا کنون با شرکت بیش از ۱۰۰ محقق در این برنامه، مجموعه ای از پژوهش ها پدید آمده که به تغییر مطالعات دینی و الهیاتی رهبران دینی کمک کرده است. انتشارات آنها مفروضات دیرینه درباره معنای متون مقدس دینی، حضور زنان به عنوان رهبران دینی، و اهمیت آموزه ها و اعمال دینی را به چالش می کشد. در بسیاری از موارد، کار آنها جهانی بودن زبان و روش های مطالعات گذشته را زیر سوال می برد از آنجا که نقد فمینیستی بر تمامی حوزه های مطالعات دینی و الهیاتی تأثیر گذاشته و خواستار تجدید نظر در مفروضات اساسی با توجه به حضور زنان و انسانیت کامل است، لذا هدف این برنامه تولید تحقیقات اولیه جدید برای پرداختن به این مسائل و منتشر ساختن آن اطلاعات از طریق برگزاری دوره ها، چاپ آثار و برنامه های عمومی است این برنامه علاوه بر افزایش توجه به زنان و جنسیت در مطالعه دین، آگاهی از اهمیت دین را برای درک جایگاه زنان ارتقا می دهد. در این برنامه محققان از رشته هایی چون مطالعات ادبی، انسان شناسی، حقوق، علوم سیاسی، روانشناسی، و انسان شناسی، حقوق، علوم سیاسی، روانشناسی، و تاریخ و همچنین الهیات، اخلاق، نقد کتاب مقدس و سایر زمینه های مطالعات دینی شرکت می کنند پذیرش افراد در این برنامه بدین صورت است که هر ساله داوطلبان دارای مدرک دکترای دینی یا دارای صلاحیت اولیه در سایر رشته های علوم انسانی یا علوم اجتماعی و یا متخصصان برجسته با دستاوردهای مشابه تقاضای خود را تا ۱۵ اکتبر ارسال می نمایند. سپس از میان حدود ۷۵ تا ۱۰۰ متقاضی که برای شرکت در این دوره به رقابت می پردازند تعدادی کاندیدا بر اساس کیفیت پروپوزال پژوهشی خود انتخاب می شوند؛ در پروپوزال ایشان بایستی هم مذهب و هم جنسیت به عنوان مقوله های مهم تحلیل عمل کنند. ترکیب گروه پنج نفره برگزیده در هر سال متغیر است اما معمولاً شامل یک محقق بین المللی، یک محقق که بر روی سنت های غیر غربی کار می کند، یک محقق یهودیت، و یک محقق اقلیت است در این برنامه که هر سال پنج پژوهشگر تمام وقت برای پیگیری موضوعی مرتبط با زنان و مذهب



جسیکا ج. فاولر

(دانشگاه مونتانا وسترن)

دانشیار مدعو مطالعات زنان و کاتولیک
عنوان پروژه: روشن گری امپراتوری: تفتیش عقاید
اسپانیایی و گسترش بدعت جهانی، ۱۷۰۰-۱۵۰۰
یک مطالعه فرامپراتوری شامل سه قاره، دو قرن
و تقریباً چهارصد مورد، که نشان می‌دهد چگونه
تفتیش عقاید اسپانیا بدعتی ایجاد کرد و سپس یک
منطق چرخشی را به راه انداخت که از ترس و نگرانی
تفتیش گرایانه نسبت به زنان و دینداری آنها، فرقه
های بدعتی به رهبری زنان را ساخت.



سمیرا ک. مهتا

دانشگاه کلرادو بولدر

استادیار مدعو مطالعات زنان و ادیان آمریکای

شمالی

محقق کلرادو

عنوان پروژه: پیشگیری از بارداری و رابطه جنسی

در امریکا با ادیان سه گانه

این پروژه تاریخ درهم تنیده دین و پیشگیری از

بارداری در ایالات متحده را از تأسیس اولین کمیته

روحانیت برنامه ریزی شده والدین در سال ۱۹۴۲

تا به امروز ردیابی می‌کند. از تاریخچه پزشکی،

فمینیستی، حقوقی و سیاسی پیشگیری از بارداری

مطالبی بیرون می‌کشد تا نشان دهد هر آنچه که این

بحث‌ها ممکن است درباره آن باشد، اساساً درباره

دین بوده است.



النا هرمینیا گازمن

دانشگاه ایندیانا بلومینگتون

استادیار مدعو مطالعات زنان و ادیان آفریقا

عنوان پروژه: جغرافیای کایمرا: عملکرد مرزی

معنوی سیاهان کارائیب

این پروژه روشی را بررسی می‌کند که زنان

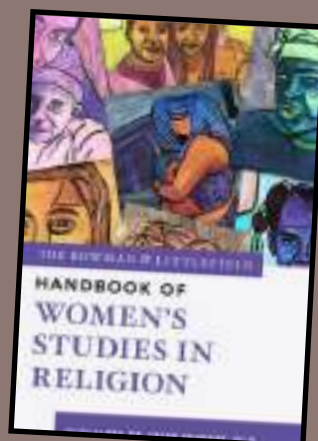
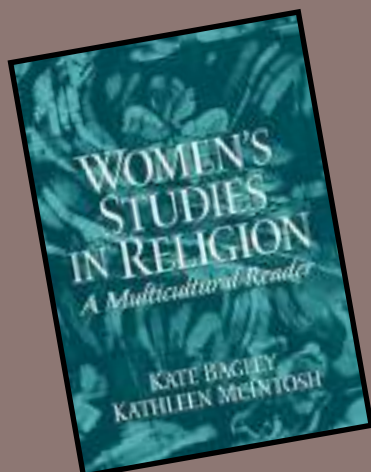
سیاه پوست و افراد نان-باینری در کارائیب و

مهاجران آن از تشریفات معنوی و آیینی در ادیان

دیاسپوریک آفریقایی، به عنوان وسیله ای برای

ساختن جغرافیای بینابینی دیاسپورای آفریقایی

استفاده می‌کنند.



زایمان در آب

باور واقعی بر فرایند بارداری و زایمان



مریم فخار

متخصص روانشناسی و
مامایی



در شرایط کنونی، مداخلات فراوان به خصوص درحیطه زایمان مشکلات جهانی متعددی را از جمله افزایش سزارین، جدایی مادر و نوزاد در بدو تولد، نبود حمایت کافی روحی روانی از مادر و عوارض مداخلات پزشکی و داروهای مصرفی از جمله داروهای بی دردی، اکسی توسین و عفونت های ناشی از این مداخلات را به وجود

بارداری و زایمان دو پدیده زیبا و شگفت انگیز خلقتند. بر همین اساس همواره علوم پزشکی، روانشناسی، جامعه شناسی و دیگر علوم مرتبط آن را مورد بررسی قرار داده اند که این فعالیت های علمی با هدف «ارتقا سلامت مادر و جنین و در نتیجه کل جامعه» انجام می شود در شرایط کنونی، مداخلات فراوان به خصوص



لذا این مشکلات

باعث شده تا امر

بارداری و زایمان از نظر

فیزیولوژیک مورد مطالعه قرار گیرد. در این

مطالعه نگرش حاملگی و زایمان یک پدیده کاملا

فیزیولوژیک و طبیعی است و بیش از آن که نیازمند

مدیریت و مداخله باشد حمایت و همراهی را می‌طلبد

این نگرش تاکید بر این دارد که مادر باردار فرد سالمی

است که در یکی از ارزشمندترین و حساس ترین مراحل

زندگی خود یعنی بارداری و زایمان به بیمارستان یا

مراکز درمانی مراجعه می‌کند و انتظار می‌رود که این

فرد سالم با سلامتی کامل از این مراکز مرخص شود تیم

پزشکی ارائه دهنده خدمات به مادر باردار، طبق اولین

قانون اخلاق پزشکی موظف است خدمتی را به مدجوی

خود ارائه دهد که ضرر و زیان جانبی برای وی به همراه

نداشته باشد. پس به کارگیری روش های فیزیولوژیک،

بر اساس مدارک و شواهد علمی راهکار مناسب برای

اداره یک زایمان کم خطر و کنترل بارداری ایمن می‌باشد.

زایمان طبیعی یا سزارین؟

در سزارین میزان خونریزی ۲،۵ برابر زایمان طبیعی

است، خطر عفونت و آمبولی در آن بیشتر می‌باشد، زمان

بستری مادر در بیمارستان و دوران نقاهت بعد از آن بیشتر

زایمان در آب چیست؟

زایمان در آب نوعی

زایمان طبیعی است که تمام

یا بخشی از آن داخل آب انجام

می‌شود. این زایمان ایمن، کم

درد، و بدون مداخله پزشکی با حضور

همراه (ترجیحا همسر) و در محیطی امن و آرام در وان

آب گرم انجام می‌شود این روش باعث راحتی بیشتر

مادر و جنین می‌شود که باید در حضور ماما و دکتر

زنان و زایمان انجام شود. غوطه‌ور شدن در آب حین

انقباضات زایمان احساس راحتی مزایای زایمان در آب

مزایای زایمان در آب، بسیار قابل توجه است. در طول

چند دهه گذشته، این نوع وضع حمل نظر افراد زیادی را

به خود جلب کرده است. از عمده ترین مزایای زایمان در

آب می‌توان موارد زیر را نام برد.

کاهش استرس

افزایش آرامش

کاهش مداخلات پزشکی تا ۸۰ درصد

کاهش میزان سزارین تا ۸۰ درصد

کاهش اپی زیاتومی (برش پرینه) تا ۷۰ درصد

کاهش مصرف اکسی توسین (آمپول فشار) در

نتیجه کاهش میزان زردی نوزاد

کاهش چشمگیر دردهای کولیکی دوران نوزادی
کاهش مرگ و میر و بیماری های مادر و نوزاد
افزایش توانمندی های فردی و اجتماعی مادر و
افزایش اعتماد به نفس مادر
حفظ تناسب اندام مادر
افزایش مسوولیت پذیری همسر و بهبود روابط
عاطفی زوجین

زایمان در آب مناسب چه افرادیست؟

در پاسخ به این پرسش که زایمان در آب مناسب چه
افرادیست؟ باید گفت، این نوع وضع حمل از محدودیت
قابل توجهی برخوردار نیست. یعنی، کلیه خانمهایی
که برای زایمان طبیعی واجد شرایط هستند، بسته به
میل خود و صلاح دید متخصص زنان و زایمان، می توانند
زایمان در آب را تجربه کنند. بنابراین، گزینه های
مناسب برای زایمان در آب عبارتند از
دارا بودن شرایط لازم برای زایمان طبیعی
برخورداری از حاملگی کم خطر
شفاف بودن مایع آمنیوتیک
وجود تنها یک جنین در رحم مادر
چرخش به موقع جنین و آمادگی کامل برای
تولد

واهمه نداشتن مادر از آب

دریافت آموزش های لازم برای این نوع زایمان
عدم وجود اکلامپسی؛ (عارضه اکلامپسی، عموماً
با تشنج، دفع پروتئین از طریق ادرار و فشار خون بالا
همراه است.

عدم استفاده از داروهای تسکین دهنده درد

بالا نبودن سن مادر

عدم خونریزی و لکه بینی

نتیجه گیری

زایمان و تولد نوزاد، یکی از مهم ترین مراحل زندگی به
شمار می رود. مطالعه و برخورداری از آموزش کافی به
مادر کمک خواهد کرد تا این مقطع از زندگی خود را با
موفقیت سپری کند. طبیعی است که این امر در تأمین
سلامت جسمی و روحی مادر و نوزاد موثر خواهد بود.





دانشگاه شیراز امور زنان و خانواده



انسبه مدنیان
کارشناس امور زنان
و خانواده دانشگاه

گزارش مختصر فعالیت های امور زنان و خانواده دانشگاه شیراز در يك سال اخير

عضویت در ستاد خانواده و جمعیت استان فارس و شرکت
در جلسات استانی با حضور استاندار و مسوولین استان

عضویت و شرکت در جلسات کارگروه خانواده و جوانی
جمعیت استان فارس

عضویت در کارگروه فرهنگی اجتماعی، سلامت، زنان و
خانواده شهرستان شیراز و شرکت در جلسات مذکور





عضویت و شرکت در جلسات شورای دانشگاه با حضور رئیس دانشگاه، هیات ریسه و روسای دانشکده‌ها و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان دانشگاه در حوزه‌های مختلف

عضویت در شورای فرهنگی دانشگاه و شرکت در جلسات مذکور به صورت ماهانه و هفتگی با حضور رئیس محترم دانشگاه و سایر اعضای کارگروه و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های کلان فرهنگی در دانشگاه

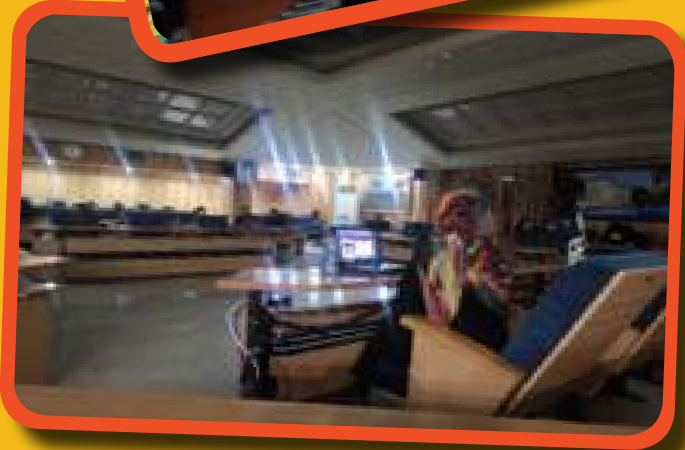


شرکت و همکاری در برگزاری برنامه‌های مختلف دانشگاه مانند چرتکه، جشنواره ملی رویش، همایش سراسری همیاران سلامت و

برگزاری نشست هم‌اندیشی بانوان دانشگاهی استان با حضور خانم دکتر قاسم پور رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس در دانشگاه شیراز، جهت بررسی چالش‌ها و مسائل حقوقی بانوان در دانشگاه‌های استان



پیگیری تشکیل کارگروه حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در دانشگاه



شرکت در برنامه‌ها و نشست‌های استان، مانند کنفرانس بین‌المللی سلامت زنان، نشست هم‌اندیشی سازماندهی فعالیت‌های بانوان در مساجد استان، نشست استانی سلامت اجتماعی جوانان، افتتاحیه مرکز نفس در استان (جلوگیری از سقط جنین)، نشست مشاورین حوزه خانواده، کنگره بانوان تاثیرگذار و

برگزاری جلسات کارگروه تخصصی نمایندگان هیات علمی و بررسی و هم‌اندیشی پیرامون مسائل و مشکلات بانوان هیات علمی دانشگاه

برگزاری سلسله دوره های آموزشی مهارت افزایی بانوان دانشگاه، با عنوان «بهبود روابط زناشویی»، «ارتقا سلامت جنسی بانوان» و «رابطه سالم زن و شوهر» ویژه بانوان محترم کارمند، هیات علمی، بانوان ساکن در خوابگاه دانشجویان متاهل و همسران آقایان دانشگاهی

هماهنگی حضور ماما و متخصص روانشناسی در خوابگاه های دختران و معاینات دوره ای و مشاوره بهداشتی و جنسی دختران در خوابگاه

برگزاری کارگاه «سلامت جنسی دختران» در خوابگاه های دانشجویی

برگزاری جلسات مستمر با رئیس محترم دانشگاه، معاونین، مسوول نهاد رهبری در دانشگاه و مدیران و مسوولین دانشگاه، در خصوص پیگیری مطالبات بانوان دانشگاهی

پیگیری و توزیع هدیه روز زن جهت بانوان محترم هیات علمی و کارمند دانشگاه

برگزاری مراسم بزرگداشت میلاد حضرت فاطمه (س) و روز زن

تقدیر از برگزیدگان زن دانشگاه (کارمند و هیات علمی) دانشگاه به مناسبت روز زن

برگزاری نمایشگاه آثار هنری و صنایع دستی بانوان دانشگاهی در روز زن

شرکت و همکاری در مراسم روز زن واحدها و دانشکده های مختلف دانشگاه

شرکت در نشست صمیمانه مشاورین زنان و خانواده دانشگاه های کشور به مناسبت روز زن و با حضور وزیر محترم علوم و معاون زنان و خانواده ریاست جمهوری

ارسال گزارش مورد نیاز برنامه های امور زنان و خانواده به مناسب های مختلف جهت استناداری و فرمانداری



مشاوره فرهنگی و عضویت در کمیته صیانت از شئونات دانشجویی دانشگاه و مشاوره بیش از ۲۵۰ دانشجو در این خصوص شرکت در جلسات مشاورین روسای دانشگاه های کشور به صورت مجازی و حضوری برگزاری مراسم تقدیر از نمایندگان کارمند و هیات علمی واحدها و دانشکده های مختلف دانشگاه

مشارکت در بازارچه دانشجویی با برپایی غرفه های مانتو شلوار اداری و چادر مشکی در نمایشگاه فصلی برای من و تو

نشست صمیمی با دانشجویان دختر خوابگاه به همراه معاون فرهنگی، دانشجویان و تعدادی از مسولین فرهنگی دانشجویی

جلسه هم اندیشی و نشست صمیمی با دانشجویان ساکن در خوابگاه متاهلین

هدا مقنعه و روسری به کلیه بانوان محترم کارمند و هیات علمی دانشگاه به مناسبت هفته عفاف و حجاب

برگزاری برنامه جشن تولد ویژه دانشجویان دختر خوابگاهی متولد فصل های مختلف به صورت مجزا

برگزاری برنامه همایش و دوره های بزرگ دانشگاهیان دانشگاه شیراز به همراه خانواده به صورت جشن و شام، در یکی از باغ های مجالس شیراز، حضور ۶۰۰ نفر در برنامه

برگزاری برنامه مدرسه تابستانی جهت فرزندان دانشگاهیان، در تابستان به صورت روزانه با تشکیل کلاس های متنوع فرهنگی، هنری، قرآنی، ورزشی، فکری و تفریحی از سنین ۳ تا ۱۴ سال به تفکیک سن و جنسیت

هدا مقنعه و روسری به دختران شرکت کننده در مدرسه تابستانی به مناسبت هفته عفاف و حجاب

برگزاری مدرسه تابستانی ویژه فرزندان دانشگاهیان دانشگاه شیراز (کارمند هیات علمی و دانشجویان متاهل ساکن در خوابگاه شهدا) به مدت ۳ ماه

برگزاری رویداد ایده های برتر «دری در صدف» به مناسبت هفته عفاف و حجاب

برگزاری و فراخوان تقدیر از برترین های حوزه عفاف و حجاب به مناسبت هفته عفاف و حجاب



در محضر



علی رضایی

دانشجوی کارشناسی
ارشد

معصومین

نظریه نقصان عقل زنان، موضوعی است که از زمان قبل از اسلام تا به امروز در محافل مختلف، مطرح است. از دین یهود و مسیحی گرفته تا عرب جاهلیت و حتی در ایران و هند و چین و روم باستان، زن به دلایل مختلف، از جمله نقصان عقل، مورد سرزنش و تحقیر قرار گرفته است. با آمدن اسلام، این نگاه‌های جاهلانه نسبت به شأن و منزلت زن، به صورتی انقلابی، تغییر یافت. بر قامت این جلوه زیبای حق، لباس انسانیت و کرامت پوشانیده شد. با این وجود، سابقه کهن کوچک‌انگاری زنان، باعث بروز نظراتی مخالف با موازین اسلامی، در کتب روایی، به دلیل جعل یا اختلاط سخن معصوم با سخن راوی و مواردی از این قبیل، گردیده است. از طرفی، بعضی افراد، متعصبانه به صحت روایات با توجیهات مختلف پرداخته‌اند و بعضی دیگر محققانه، در صدد بررسی صحت موارد متناقض یا متناقض‌نما بر آمده‌اند. در این میان، ابزاری جهت صحت‌سنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حوزه صحت سند حدیث، علم رجال و در حوزه صحت متن، فقه‌الحدیث، ایجاد گردیده که با استفاده از قواعد و قوانین این دو علم، احادیث، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد در خصوص خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه که جمعاً یک بند، بیشتر نیست، به دلیل مطالب متناقض با محکّمات عقلی و نقلی، در طول تاریخ اسلام، مورد مناقشه بوده است. عده‌ای

عده‌ای در تایید و عده‌ای بر ردّ آن سخن گفته‌اند. در این نوشتار به بخشی از این خطبه، که در خصوص نقصان عقل زنان و شاهد قرآنی آن است، خواهیم پرداخت «معاشر الناس انّ النساء ... نواقص العقول ... و اما «نقصان عقولهن فشهاده امرأتین کشهاده الرجل الواحد ای مردم! زنان در ... عقل (در مقایسه با مردان) نقص دارند ... اما نقصان عقلشان به خاطر این است که شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است. (شیروانی، ۱۳۸۷، ص: ۱۱۹)

تحلیل محتوایی

برای توضیح بیشتر در خصوص «نقص عقل»، به معنای آنها در کتب روایی و قرآن خواهیم پرداخت اهل لغت «نقص» را مقابل «زیادت» می‌دانند. نقص، کسر از تمامیت یک چیز است. خواه نقص از کمیت باشد یا کیفیت یا مادی یا معنوی. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۲۲۱؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۶۲۱؛ ابن منظور، ۲۰۰۰م،



ج ۱۴: ۳۳۹). توضیح اینکه، نقص در موردی کاربرد دارد که کاملی فرض باشد و در مقایسه با آن کامل، کسری مشاهده شود. اختلافی در این معنا وجود ندارد و نمونه قرآنی هم دارد: «... و نقص من الاموال...» (بقره: ۱۵۵) «عقل» در روایات معصومین به دو معنای کلی به کار رفته است. لذا اگر بخواهیم بر اساس معنایی که در کتب لغت به آن اشاره شده، اتکا کنیم، احتمال خطا زیاد می‌شود

عقل به عنوان قوه ادراک: این نیرو، خدادادی است و انسان در افزایش یا کاهش آن نقشی ندارد. این نوع عقل، متناسب با روح حیات دهنده موجودات است. یکی از شئون روح هر موجود است. شدت و ضعف آن روح یا به اصطلاح، شدت نورانیت روح، عامل اصلی قوت یا ضعف قوه ادراک یا عقل می‌شود. این روح، به اراده الهی در موجودات مختلف، دمیده شده و می‌شود و دارای درجاتی است. به غیر از مراتبی که میان انواع مختلف مخلوقات، مثل جماد و نبات و انسان دارد، در بین خود انسانها نیز دارای درجات است که به چهار درجه کلی قابل تقسیم است

درجه اول مخصوص انسانهایی است که به قدرت تشخیص و به تبع آن تکلیف نرسیده‌اند. معمولاً انسانها، قبل از سن بلوغ، در این حد از قدرت روحی و عقلی می‌باشند. افراد مجنون یا ناقص‌العقل، در این محدوده قرار دارند درجه دوم مخصوص انسانهایی است که به قدرت تشخیص خوب و بد، رسیده و موظف هستند در مقابل اعمال ارادی خود، پاسخگو باشند. این درجه از قدرت عقلی، لازمه مکلف شدن در درگاه الهی است. حدیث زیر و احادیث مشابه به عقل پیش‌نیاز تکلیف، اشاره دارند: «تکلیف از مجنون برداشته شده است تا (زمانیکه عاقل شود)» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳ق، ج ۱: ۱۹۴)

درجه سوم، روح ایمانی می‌باشد. عقل در این درجه روحی، به صاحب آن بصیرت می‌دهد: «عقل چیزی است که خدای رحمان با آن عبادت شود و بهشت (بوسیله آن به دست آید)» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۱)

درجه چهارم، روح قدسی است که به همراه خود معصومیت را نیز می‌آورد: «خداوند هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد، مگر اینکه عقل را به کمال رسانید و عقل او، از (عقول همه افراد امتش برتر بود)» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۳)

بنابراین پیامبران با بالاترین درجه عقلی، متناسب با درجات عقلی انسانها، با آنها صحبت و اتمام حجت می‌کردند: «ما پیامبران مأموریم که با مردم به مقدار (عقلشان سخن بگوییم)» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۳)

عقل اکتسابی

پختگی و درایت:

و تدبیر که بر اثر کثرت

تجربه، در زمینه‌ای خاص، برای

فرد ایجاد شده و درصد خطای فرد، متناسب با افزایش

تجربه و البته به خاطر سپاری تجربیات، کاهش می‌یابد.

این عقل توسط فرد و با حسن اختیار او، قابل افزایش

و کاهش است: «تجارت باعث افزایش عقل و ترک آن،

(از بین برنده عقل است)» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۴۸)

با این مقدمه مشخص می‌شود که فرد «ناقص‌العقل»

به معنای نخست، که درجه اول از روح انسانی را

داراست، اولاً تکلیفی متوجه او نمی‌شد و ثانیاً، شهادت

او در دادگاه پذیرفتنی نیست. لذا به طور قطع، ناقص

العقول دانستن زنان به این معنا، با مسلمات عقلی و

نقلی در تضاد تام است «ان المسلمین والمسلمات

والمؤمنین والمؤمنات والقانتین والقانتات والصادقین

والصادقات والصابرین والصابرات والخاشعین والخاشعات

والمتصدقین والمتصدقات والصابرین والصابرات

والحافظین فروجهم والحافظات والذاکرین الله کثیرا

(والذاکرات اعد الله لهم مغفرة واجرا عظیما)» (احزاب: ۳۵)

فاستجاب لهم ربهم انی لا اذیع عمل منکم من

ذکر او انشی بعضکم من بعض فالذین هاجروا واخرجوا من

دیارهم وادوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا لاکفرن عنهم

سیناتهم ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثوابا

(من عند الله والله عنده حسن الثواب)» (آل عمران: ۱۹۵)

در تمام آیات قرآن، زنان در کنار مردان، مکلف‌اند و

پاداششان متناسب با تکلیفشان، به طور کامل و بدون

ضایع شدن مثقالی، تضمین شده است. لذا ناقص‌العقل

بودن زنان، به معنای ارتکازی پیش‌گفته، نه با آیات

متعدد که متضمن تکالیف زنانند و نه با آیه مربوط به

شهادت و گواهی دادن زنها و نه آیات مربوط به مشورت

زن و شوهر در خصوص فرزندان، سازگاری دارد اما در

خصوص «عقل» به معنای دوم، یعنی داشتن تجربه در

زمینه‌ای خاص، مجاز است، عقل کسی را نسبت به

دیگری، در آن زمینه خاص، ناقص‌تر یا کامل‌تر بدانیم.

مثلا کاسبی که سالها به امر تجارت مشغول است و

بی‌احترامی به شخصیتشان و کمبود عقلشان، قلمداد کنند؟ مسلماً این گونه نیست، بلکه مزایای فراوانی به دنبال آن است، از جمله اینکه اثبات این گناه، به راحتی ممکن نباشد و آبروی انسانها محفوظ بماند بنابراین نباید رعایت مصالح فردی و

اجتماعی انسانها، که سبب تشریح قواعد و قوانینی بعضاً متفاوت، برای صنوف مختلف انسانی شده است، به معنای تبعیض طبقاتی و نژادی و جنسیتی گذاشت. اسلام با برداشتن همین تبعیض‌ها، به سرعت رشد کرد و مورد استقبال توده‌های مختلف مردم قرار گرفت. از اصول اساسی اسلام آیه «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرهکم عند الله اتقاکم ان الله علیم خبیر» (حجرات: ۱۳) است که هر نوع تبعیض را مُلغی می‌کند پس شکی وجود ندارد که پیامبر و امامان معصوم، به عنوان مفسران حقیقی قرآن، بر خلاف آیات صریح آن و محکّمات نقلی و عقلی، صحبتی نداشته‌اند: «هرگاه حدیثی از من به شما برسد، آن را بر کتاب خدا عرضه کنید، آنچه از آن موافق قرآن بود بپذیرید و آنچه مخالف بود به دیوارش بکوبید» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۸: ۲

و با مشتریان مختلف سر و کار داشته، به راحتی فریب متقلبان را نمی‌خورد، ولی یک جوان تازه‌کار، با اینکه از نظر عقل خدادادی با او در یک سطح است، اما در همان روزهای ابتدایی، چندین بار، به علت بی‌تجربگی، متضرر می‌شود. بر اساس برتری عقل اکتسابی افراد، نظر فرد متخصص‌تر، ملاک عمل، قرار می‌گیرد. نه تنها اسلام، مراجعه به متخصص اعلم را تجویز کرده، بلکه بنای عقلا نیز در طول تاریخ، همواره بر این اساس بوده است در ادامه، به بررسی گواهی زنان در آیه ۲۸۲ بقره، که شاهدمثالی ناقص‌العقل بودن زنان در خطبه است، خواهیم پرداخت خصوص گواهی و شهادت زنان، در فقه اسلامی، مواردی هست که تنها شهادت یک زن کافی است و در مواردی نیز شهادت دو زن لازم است. برای نمونه در خصوص گواهی بر ولادت فرزند یا رضاع یا عیوب باطنی زن در ازدواج، شهادت یک زن (مثلاً قابله در مورد ولادت فرزند) به صورت منفرد، قابل قبول است و نیاز به شهادت، مرد یا زن دیگری نیست. اما در آیه «یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه ... واستشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل وامراتان ممن ترضون من الشهداء ان تضل احدهما فتذکر احدهما الاخری ...» (بقره: ۲۸۲) شرایط متفاوت است. در مسئله‌ای تجاری، عموماً مردانه، همراه با احتمال تهدید و فریب، نیازمند تجربه و در نظر گرفتن مصالح آشکار و پنهان دیگر، قانون‌گذار آگاه به همه این موارد، به آوردن دو نفر زن و یک مرد به عنوان شاهد، تاکید دارد. چه بسا یکی از مصالح، این باشد که فرد نیازمند شاهد، برای سهولت کار و راضی کردن گواهان کمتری در دادگاه، به دنبال گواهان زن نروند. به این ترتیب، خداوند با سخت‌تر کردن شرایط، برای امری دردسر آفرین و وقت‌گیر، به زنان لطف و عنایت بیشتری داشته است. ضمناً شهادت دادن، «حق» محسوب نمی‌شود بلکه به نوعی «وظیفه‌ای» سخت می‌باشد. پس حقی از زنان، در این مورد ضایع نشده است نکته دیگر اینکه تعداد گواهان، همواره این تعداد نیست. مثلاً برای اثبات زنا، بنابر مصالح پیدا و پنهان، نیاز به چهار گواه می‌باشد: «واللاتی یاتین الفاحشه من نسائکم فاستشهدوا علیهن اربعه منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت او یجعل الله لهن سبیلاً» (نساء: ۱۵). آیا در اینجا جایز است که مردان بدلیل اینکه قانون، تقاضای چهار نفر شاهد کرده است، این قانون را دلیلی بر ضایع شدن حقشان،



مراجع

قرآن کریم

ابن منظور، م.

(۲۰۰۰م). لسان

العرب. بیروت: دار صادر

تمیمی مغربی، ا. (۱۳۸۳ق).

دعائم الاسلام. قم: دارالمعارف

۱. (۱۳۹۵). الغارات. تهران: انجمن آثار

علمی دینوری، ع. (۱۴۱۰ق). الامامه و السیاسه. بیروت:

دارالاضواء شیروانی، ع. (۱۳۸۷). ترجمه نهج البلاغه.

قم: دارالعلم طبری، م. (۱۴۱۵ق). المسترشد فی الامامه

علی بن ابی طالب. قم: کوشانپور فیومی، ا. (۱۴۱۴ق).

المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: دارالهجره

کلینی، م. (۱۳۶۷). کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه

مصطفوی، ح. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن

الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تحلیل سندی:

با بررسی منابع متقدم بر نهج البلاغه، به این

نتیجه خواهیم رسید که اصل این

بند، در خطبه ۸۰ نهج البلاغه،

بخشی از یک نامه است. این

نامه در کتاب «المسترشد فی

الامامه علی بن ابی طالب» آمده

است. ابوجعفر محمد بن جریر

بن رستم (م ۳۲۹)، ملقب به

طبری شیعی (مؤلف کتابهای

تاریخ و تفسیر طبری سنی،

شخص دیگری است)، این بند را

در قسمت پایانی نامه‌ای که بعد

از جنگ جمل نوشته شده،

آورده است. (طبری، ۱۴۱۵ق،

ص: ۴۱۸). با جستجوی آن

نامه در کتب قدیمی تر،

آن را در دو کتاب

«الامامه و السیاسه»

از دینوری (م ۲۷۶) و

«الغارات» ثقفی (م ۲۸۳)،

خواهیم یافت. با این

تفاوت که قسمت مربوط به

خطبه ۸۰ که در انتهای نامه

آمده است در آن دو کتاب

موجود نمی‌باشد. ضمناً مضمون

این بند، با سیاق نامه، هم خوانی

ندارد. (دینوری، ۱۴۱۰ق، ج ۱:

۱۷۶؛ ثقفی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۰)

از طرف دیگر، راوی اصلی متن

طبری، «شعبی» است. طبری

در جای دیگر، به مناسبتی،

«شعبی» را به دلیل تخلف از

امام حسین علیه السلام و

حضور در لشکر یزید و همکاری

با حجاج بن یوسف و سرقت صد دینار، از منظر

رجالی، ضعیف می‌داند.

لذا به سه دلیل، قسمت پایانی نامه موجود در کتاب

طبری (خطبه ۸۰ نهج البلاغه) مردود است.



<http://women.shirazu.ac.ir>
instagram: @zanan_va_khanevadeh_shirazuni

اکوای زنان

فصلنامه فرهنگی اجتماعی
امور زنان و خانواده دانشگاه شیراز

